

## تغییر اقلیم و مهاجرت؛ جایگاه مهاجران اقلیمی در چارچوب‌های قانونی بین‌المللی و ملی

رقیه صمدی، پژوهشگر دوره پسادکتری، پژوهشگاه هواشناسی و علوم جو، پست الکترونیکی: [samadi.ro@yahoo.com](mailto:samadi.ro@yahoo.com)

مجید حبیبی نوخندان، دانشیار گروه اقلیم شناسی، پژوهشگاه هواشناسی و علوم جو، پست الکترونیکی: [habibi3558@gmail.com](mailto:habibi3558@gmail.com)

### چکیده

در طول دهه گذشته بحث در مورد رابطه بین تأثیر تغییر اقلیم بر مهاجرت و جابه‌جایی انسانی به تدریج افزایش یافته است. این امر به ویژه در گفتمان سیاست جهانی، با آگاهی روزافزون از نیاز به توسعه چارچوب‌های قانونی و راه‌حل‌های مشخص برای حمایت از افرادی که در شرایط اقلیمی، مهاجرت می‌کنند، صادق است. از آنجایی که جابه‌جایی‌های ناشی از تغییر اقلیم به روش‌های متفاوتی در توافقنامه‌های بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته است، ابهام در این چارچوب‌ها، پیام‌های گیج‌کننده‌ای را به دولت‌ها می‌فرستد که تلاش می‌کنند آن را در راستای اهداف توسعه‌ای خود اجرا کنند. در این پژوهش، به بررسی برخی از چارچوب‌های قانونی بین‌المللی در حوزه حمایت از مهاجرت‌های ناشی از تغییر اقلیم پرداخته شده است. همچنین، برخی از اسناد فرادستی در این حوزه در کشور مورد بررسی قرار گرفته‌اند. نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که اگرچه برخی از توصیه‌های معتبر در مورد نحوه مدیریت مهاجرت ناشی از تغییر اقلیم در سال‌های اخیر در توافقنامه‌های بین‌المللی ظاهر شده‌اند، اما به طور کلی، پاسخ سیاست بین‌المللی در این خصوص ناقص بوده است. به طور خاص، قانون تغییر اقلیم بر کاهش و سازگاری با تغییر اقلیم تمرکز دارد، اما وضعیتی قانونی را برای افرادی که نمی‌توانند در کشور خود با پیامدهای ناشی از تغییر اقلیم سازگار شوند و مجبور به جابه‌جایی هستند، به رسمیت نمی‌شناسد. همچنین بررسی محتوای اسناد فرادستی در کشور نیز نشان از عدم توجه به کلان روند تغییر اقلیم و پیامدهای ناشی از آن همچون مهاجرت دارد. همچنین در هیچ یک از این اسناد به طور مستقیم به موضوع حمایت از مهاجرت‌های ناشی از تغییر اقلیم اشاره‌ای نگردیده و برای آن سازوکاری مشخص و قانونی تعیین نشده است. در این راستا برنامه ریزان و سیاستگذاران بایستی به موضوع ادغام تحرک انسانی ناشی از تغییر اقلیم در قوانین، سیاست‌ها و طرح‌های ملی توجه بیشتری را معطوف نمایند.

واژگان کلیدی: تغییر اقلیم، مهاجرت، جابه‌جایی، مهاجرت‌های ناشی از تغییر اقلیم، چارچوب‌های قانونی

## ۱. مقدمه

در سال‌های اخیر، تعداد فزاینده‌ای از محققان تأثیر تغییر اقلیم بر جابه‌جایی و مهاجرت را بررسی کرده‌اند. با این حال، هنوز شکاف‌های قابل توجهی در درک ما از رابطه پیچیده بین تغییر اقلیم و مهاجرت وجود دارد. به طور خاص، هنوز هیچ رویکرد نظری واحدی وجود ندارد که به اندازه کافی رابطه بین تغییر اقلیم و مهاجرت را نشان دهد (کاتانو<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۹). در این میان، برخی از محققان قویاً معتقدند که تغییر اقلیم مستقیماً باعث جابه‌جایی و حرکت افراد می‌شود (رویگرد ماکسیمالیستی)، در حالی که برخی دیگر از محققان استدلال می‌کنند که تغییر اقلیم تنها یکی از عوامل زمینه‌ای در تصمیم‌گیری‌های مهاجرتی افراد است (رویگرد مینیمالیستی). اگرچه نظرات علمی وجود دارد که تغییر اقلیم را به عنوان یکی از دلایل اصلی مهاجرت زیر سوال می‌برد، همچنین شواهدی وجود دارد که تغییر اقلیم باعث اثرات زیست محیطی شدید و تشدید آسیب‌پذیری مردم می‌شود که در نتیجه آن افراد محل زندگی خود را ترک می‌کنند. مهاجرت اقلیمی تأثیرات چند وجهی بر معیشت مردم دارد که در نتیجه آن، مردم در داخل مرزهای کشور خود جابه‌جا می‌شوند که از آن با عنوان مهاجرت داخلی یاد می‌شود و یا از طریق مرزها به کشورهای دیگری که به عنوان مهاجرت بین‌المللی شناخته می‌شود، جابه‌جا می‌شوند. جابجایی‌های داخلی مهاجران اقلیمی بیشتر به شهرهای بزرگ نزدیک یا مراکز بزرگ شهری رخ می‌دهد (لونرگان<sup>۲</sup>؛ ۱۹۹۸؛ بلک<sup>۳</sup>؛ ۲۰۰۱؛ یونپ<sup>۴</sup>؛ ۲۰۱۱؛ گش و اورچیستون<sup>۵</sup>؛ ۲۰۲۲).

به گفته کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان<sup>۶</sup>، طبقه‌بندی افراد جابه‌جا شده به دلیل تأثیرات مخرب ناشی از تغییر اقلیم، محیط‌زیست و فشارهای اقتصادی امری بس دشوار است. جمله‌ای که می‌توان گفت "تعداد زیادی از مردم در اثر تغییر مستقیم اقلیم جابه‌جا شده‌اند"، بسیار بحث برانگیز است. این بدین معنی نیست که پدیده جابه‌جایی مربوط به تغییر اقلیم واقعی نیست، بلکه این مساله بسیار پیچیده‌تر از آن چیزی است که اغلب تصور می‌شود. این امر در درجه اول به نقش تغییر اقلیم به عنوان "علت" جابه‌جایی و میزانی که افراد و خانواده‌ها این نوع از جابه‌جایی را پاسخی منطقی به ناملایمات در یک زمان معین می‌دانند، مربوط می‌شود (مک‌آدام<sup>۷</sup>؛ ۲۰۱۲).

به طور کلی، صحبت از "تغییر اقلیم" به عنوان "عامل" حرکت انسان‌ها، ذاتاً مبهم است، اگرچه تأثیرات آن ممکن است آسیب‌پذیری‌های اجتماعی، اقتصادی یا محیط‌زیستی موجود را تشدید کند. در عوض، تغییر اقلیم "تأثیر افزایشی"، "افزایش مشکلات موجود" و "تشدید تهدیدهای موجود" را به همراه خواهد داشت. در این میان، بسیاری از سوالات اصلی مربوط به مهاجرت‌های اقلیمی وجود دارد که در حال حاضر مورد بحث قرار گرفته است. این سوالات عبارتند از: چه چارچوب‌ها و

<sup>1</sup> Cattaneo

<sup>2</sup> Lonergan

<sup>3</sup> Black

<sup>4</sup> UNEP

<sup>5</sup> Ghosh & Orchiston

<sup>6</sup> United Nations High Commissioner for Refugees (UNHCR)

<sup>7</sup> McADAM

راه‌حل‌های قانونی در حال حاضر موجود است یا بایستی در رابطه با دسته‌بندی افراد تحت تأثیر تغییر اقلیم توسعه یابد؟ چه برنامه‌هایی را باید تهیه کرد و این برنامه‌ها بایستی توسط چه کسانی ارائه شود؟ چگونه می‌توان از جنبه‌های مثبت مهاجرت در اثر تغییر اقلیم استفاده کرد؟

در پاسخ به این سوالات، در طول دهه گذشته بحث در مورد رابطه بین تأثیر تغییر اقلیم و متعاقب آن مهاجرت به تدریج افزایش یافته است. این امر به ویژه در گفتمان سیاست جهانی، با آگاهی روزافزون از نیاز به توسعه چارچوب‌های سیاستی و راه‌حل‌های مشخص برای حمایت از افرادی که در شرایط اقلیم در حال تغییر مهاجرت می‌کنند، صادق است. این علاقه فزاینده بر تعدادی از متولیان کلیدی - از سازمان ملل متحد و سازمان‌های بین دولتی گرفته تا جامعه مدنی و نهادهای غیردولتی - تأثیر گذاشته است تا تلاش‌های خود را برای مطرح کردن این سؤالات کلیدی در دستور کار جهانی تشدید کنند (قرلنول و ایونسکو، ۲۰۱۸). از آنجایی که جابه‌جایی‌های ناشی از تغییر اقلیم به روش‌های متفاوتی در توافقنامه‌های بین‌المللی در مورد توسعه، بلایا و تغییر اقلیم مورد توجه قرار گرفته است، ابهام در این چارچوب‌ها پیام‌های گیج‌کننده‌ای را به دولت‌های ملی می‌فرستد که تلاش می‌کنند آن را در راستای اهداف توسعه‌ای خود اجرا کنند. در حال حاضر سازمان بین‌المللی مهاجرت، کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان و دفتر هماهنگی امور بشردوستانه سازمان ملل متحد، انواع مختلفی از مهاجرت‌های انسانی، از کمک به پناهندگان گرفته تا مهاجران اقتصادی و آسیب دیدگان ناشی از مخاطرات طبیعی را مدیریت می‌کنند. این ساختارها در طول زمان با شناسایی عوامل محرک مهاجرت، گسترش یافته‌اند. افزودن گروه دیگری از مهاجران در چارچوب وظایف این سازمان‌ها به عنوان امری طبیعی تلقی می‌شود (سیمونلی، ۲۰۱۶). به طور کلی نهادهای بین‌المللی در مورد مهاجرت‌های بین‌المللی و به ویژه مهاجرت محیط‌زیستی به این امر بستگی دارد که چگونه این پدیده می‌تواند به عنوان یک مفهوم مجزا و مستقل در قوانین و سیاست‌ها تعریف شود (بتس، ۲۰۱۱). در این پژوهش تلاش بر این است تا در ابتدا ضمن بررسی ارتباط میان تغییر اقلیم و مهاجرت و اشکال جابه‌جایی‌های اقلیمی، به ارزیابی چارچوب‌های قانونی بین‌المللی و اسناد فرادستی داخل کشور در حوزه حمایت از حقوق مهاجران اقلیمی بپردازد. در نهایت، راهکارهایی جهت ارتقای برنامه‌ریزی و سیاستگذاری در حوزه حمایت از مهاجرت‌های مرتبط با تغییر اقلیم ارائه شده است.

## ۲. پیشینه تحقیق

محققان متعددی در داخل و خارج از کشور به بررسی ارتباط بین تغییرات اقلیمی و مهاجرت، پیامدهای اجتماعی و حقوقی این پدیده و نیاز به چارچوب‌های قانونی مناسب برای حمایت از مهاجران اقلیمی پرداخته‌اند. در ادامه، یافته‌های کلیدی این مطالعات مرور می‌شود.

<sup>8</sup> Chazalnoel & Ionesco

<sup>9</sup> Simonelli

<sup>1</sup> Betts

- موثقی (۱۳۹۶)، در مقاله‌ای با عنوان «الزامات و پیش‌بینی‌های حقوق بین‌الملل برای استقرار مهاجران اقلیمی در مقصد»، به بررسی معضل مهاجرت‌های اقلیمی و ارزیابی کارکرد مقررات حقوق بین‌الملل در اسکان مجدد پناهجویان اقلیمی پرداخته است. متدلوژی به کار رفته در این تحقیق روش اسنادی و الگوهای تحلیل ثانوی بوده و در پایان مباحث با استمساک از دستاوردهای موجود، کارآمدی اجرای این تدابیر با روش امکان‌سنجی مورد قضاوت قرار خواهد گرفت. در نهایت نتایج به دست آمده ثابت می‌کند که کشورهای جهان و جامعه بین‌المللی باید به موضوع اسکان مجدد مهاجران اقلیمی به عنوان یک فرصت و نه یک تهدید نگرسته و از رهیافت‌های حقوقی ملایم‌تری در مقایسه با دیگر پناهجویان بهره‌گیرند تا از رشد تصاعدی میزان آوارگان و مهاجران زیست‌محیطی و بلاتکلیفی حقوقی و عملی آن‌ها جلوگیری کند.
- رنجبریان و ارغنده پور (۱۳۹۹)، در مقاله‌ای با عنوان «مهاجرت‌های اقلیمی در حقوق بین‌الملل: راه دشوار دولت‌های آسیب‌پذیر» به ارزیابی مهم‌ترین تحولات در خصوص جابه‌جایی‌های اقلیمی در نظام بین‌المللی تغییر اقلیم از جمله دو رویکرد زیان و خسارت و مسئولیت بین‌المللی پرداخته‌اند که کشورهای در حال توسعه تا چه حد در برآورده کردن خواسته اصلی خود یعنی ایده جبران خسارت در چارچوب کنوانسیون تغییر اقلیم موفق عمل کرده‌اند. واقعیت آن است که پیچیدگی پدیده تغییر اقلیم سبب شده است که هر یک از سازوکارهای زیان و خسارت و رهیافت مسئولیت بین‌المللی با دشواری‌های فراوان روبه‌رو باشند. در عین حال تحولات ایجادشده با آنکه در مرحله آغازین قرار دارد، می‌توان آن را گامی به‌سوی حمایت مؤثر از مهاجران اقلیمی شمرد.
- صمدی (۱۴۰۱)، در مقاله‌ای با عنوان «دوراهی مهاجرت‌های اقلیمی؛ تحلیلی درباره رویکردهای سازگاری یا ناسازگاری در برابر آثار تغییرات اقلیمی» با رویکرد توصیفی-تحلیلی و با استناد به نظریه‌های کثرت‌گرایی و اقلیت‌گرایی به بررسی دیدگاه‌های مختلف در زمینه مهاجرت‌های اقلیمی و سازگاری و ناسازگاری در برابر تغییرات اقلیمی پرداخته است و در همین ارتباط چارچوب مفهومی متناسب با این دیدگاه‌ها ارائه شده است. نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که در نظر گرفتن مهاجرت به عنوان یکی از اقدامات سازگاری و یا ناسازگاری جوامع، چالش‌های زیادی را برای برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران ایجاد می‌کند که بسیاری از این چالش‌ها از طریق استراتژی‌های دقیق قابل کنترل است. در این راستا، سیاست‌گذاران بایستی قوانین و مقرراتی را وضع کنند که توانایی بازیگران را برای سازگاری با تأثیرات تغییرات اقلیمی تقویت کنند.
- مهدیزاده سولا (۱۴۰۳) در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر تغییرات اقلیمی بر مهاجرت انسانی: بررسی روندها، چالش‌ها و راهکارها با رویکرد فراتحلیل» با استفاده از روش فراتحلیل، ۴۵ پژوهش منتشرشده بین سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۲۴ را بررسی کرده است تا رابطه میان تغییرات اقلیمی و الگوهای مهاجرت انسانی را تحلیل کند. این مطالعه همچنین بر اهمیت چارچوب‌های سیاست‌گذاری جامع تأکید دارد که با یکپارچه‌سازی مداخلات اقتصادی-اجتماعی، شناسایی قانونی مهاجران اقلیمی، و

ظرفیت‌سازی محلی، می‌تواند به مدیریت بهتر این چالش کمک کند. این پژوهش با ارائه توصیه‌های عملی مانند تقویت زیرساخت‌ها، تنوع‌بخشی به معیشت جوامع آسیب‌پذیر، و همکاری‌های بین‌المللی، بر راهبردهای پایدار و عادلانه‌ای برای کاهش فشارهای ناشی از مهاجرت اقلیمی تأکید می‌کند. این اقدامات می‌تواند به ارتقای تاب‌آوری جوامع و مدیریت مؤثر این بحران کمک کند.

- بیتس<sup>۱</sup> (۲۰۰۲) در مقاله‌ای با عنوان «پناهندگان محیط‌زیستی؟ طبقه‌بندی مهاجرت‌های انسانی ناشی از تغییرات محیطی» دسته‌بندی‌های مختلفی از مهاجران محیط‌زیستی را بررسی کرده و استدلال می‌کند که تعاریف قانونی کنونی نمی‌توانند آسیب‌پذیری‌های خاص افراد تحت تاثیر مخاطرات اقلیمی را به رسمیت بشناسند. نویسنده پیشنهاد می‌دهد که باید وضعیت قانونی ویژه‌ای برای مهاجران اقلیمی در نظر گرفته شود.
- پرچ نیلسن و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۰۸)، در مقاله‌ای به عنوان «بررسی ارتباط بین تغییر اقلیم و مهاجرت» به بررسی ارتباط بین تغییر اقلیم و مهاجرت از طریق دو مکانیسم افزایش سطح دریا و سیلاب بررسی و در مدل‌های مفهومی پرداخته‌اند. در هر دو مورد، می‌توان یک ارتباط را ردیابی کرد و پیوندها را تصریح کرد. با این حال، مطالعه همچنین به وضوح نشان می‌دهد که این ارتباط به هیچ وجه قطعی نیست، بلکه به عوامل متعدد مرتبط با آسیب‌پذیری مردم و منطقه مورد نظر بستگی دارد.
- کالین<sup>۳</sup> (۲۰۱۹)، در مقاله‌ای با عنوان «مفهوم‌سازی آوارگی ناشی از تغییرات اقلیمی»، به بررسی جابجایی‌های ناشی از تغییرات اقلیمی پرداخته است. این گزارش که توسط یکی از کارشناسان اصلی ابتکار نانسن تهیه شده است، به شکاف‌های قانونی و سیاستی در رابطه با آوارگی ناشی از تغییرات اقلیمی می‌پردازد. نویسنده پیشنهاد می‌دهد که مهاجران اقلیمی باید در سازوکارهای حفاظت بین‌المللی گنجانده شوند.
- مک لمن و اسمیت<sup>۴</sup> (۲۰۰۶)، در مقاله‌ای با عنوان «تغییرات اقلیمی: مهاجرت به عنوان یک راهکار سازگاری» به ارائه یک مدل مفهومی برای بررسی مهاجرت جمعیت به عنوان یک پاسخ تطبیقی احتمالی به خطرات مرتبط با تغییرات آب و هوایی پرداخته‌اند. این مدل تنوری‌های تثبیت شده رفتار مهاجرت انسان را منعکس می‌کند و بر مفاهیم آسیب‌پذیری، قرار گرفتن در معرض خطر و ظرفیت سازگاری استوار است که در جامعه تحقیقاتی تغییرات اقلیمی توسعه یافته است. کاربرد این مدل با استفاده از الگوهای مهاجرت دهه ۱۹۳۰ در روستای اوکلاهاما شرقی، که در طول دوره ای از شکست مکرر محصول به دلیل خشکسالی و سیل رخ داد، نشان داده شده است.

|                  |   |
|------------------|---|
| 1 Bates          | 1 |
| 1 Perch-Nielsen  | 2 |
| 1 Kälın          | 3 |
| 1 McLeman & Smit | 4 |

- مک آدام<sup>۵</sup>(۲۰۱۲)، در کتابی با عنوان «تغییرات اقلیمی، مهاجرت اجباری، و حقوق بین‌الملل» بررسی می‌کند که آیا قوانین موجود در مورد پناهنجویان و حقوق بشر می‌توانند به مهاجران اقلیمی اعمال شوند یا خیر. نویسنده نتیجه می‌گیرد که با وجود برخی حمایت‌های حقوقی، این حمایت‌ها پراکنده و ناکافی هستند و به راهکارهای جدید نیاز است.
- کاجزان و اوگیل میر<sup>۶</sup>(۲۰۱۹)، در پژوهشی با عنوان «تأثیر تغییر اقلیم بر مهاجرت: ترکیبی از بینش‌های تجربی اخیر» به این موضوع اشاره دارد که نگرانی در مورد تأثیر انسانی تغییرات اقلیمی منجر به پیش‌بینی‌هایی شده است که مردم در مناطق آسیب‌پذیر در برابر خشکسالی، سیل و تغییرات دما چگونه به چنین رویدادهایی واکنش نشان خواهند داد. در این مقاله، نویسندگان یک چارچوب مفهومی ارائه نموده‌اند که در آن شوک‌های اقلیمی (مانند خشکسالی، سیل، یا دمای شدید) بر (الف) توانایی خانوار برای مهاجرت، از طریق تخلیه منابع لازم خانوار برای مهاجرت، و (ب) آسیب‌پذیری خانوار در ماندن، با افزایش خطر سقوط (بیشتر) یک خانوار را تحت تأثیر قرار می‌دهند. در ترکیب، این عوامل به توضیح چهار الگوی کلیدی که در ادبیات تجربی دیده می‌شوند کمک می‌کنند: (۱) مهاجرت ناشی از آب و هوا لزوماً در میان خانواده‌های فقیرتر شایع‌تر نیست. (۲) مهاجرت ناشی از اقلیم برای جابجایی‌های داخلی از راه دور بیشتر از حرکت‌های محلی یا بین‌المللی رایج است. (۳) تغییرات اقلیمی با شروع آهسته (مانند خشکسالی) بیشتر از تغییرات سریع (مانند سیل) باعث افزایش مهاجرت می‌شود. و (۴) شدت شوک‌های اقلیمی، مهاجرت را به صورت غیرخطی تحت تأثیر قرار می‌دهد.

## ۲. روش تحقیق

این پژوهش با رویکرد توصیفی-تحلیلی به بررسی پیوند میان تغییر اقلیم و مهاجرت و ارزیابی چارچوب‌های قانونی بین‌المللی و اسناد فرادستی داخل کشور در حوزه حمایت از حقوق مهاجران اقلیمی پرداخته است. در این راستا، با بهره‌گیری از روش مطالعه کتابخانه‌ای-اسنادی و جستجوی اینترنتی به مطالعه، ارزیابی و بهره‌برداری از مطالعات صورت گرفته داخلی و خارجی و همچنین قوانین و اسناد فرادستی در حوزه تغییر اقلیم و مهاجرت پرداخته شده است.

## ۳. ادبیات تحقیق

### ۱،۳. تغییر اقلیم و مهاجرت‌های اقلیمی

تأثیر تغییر اقلیم بر مهاجرت انسان موضوعی است که در بین محققان و سیاست‌گذاران مورد توجه روزافزون قرار گرفته است. تغییر اقلیم به عنوان محرک کلیدی در تحرک انسانی<sup>۷</sup> در چارچوب‌های مختلفی از جمله پیمان جهانی برای مهاجرت<sup>۸</sup>؛ پیمان جهانی در مورد پناهندگان<sup>۹</sup>؛ دستور کار برای بشریت<sup>۱۰</sup>؛ اجلاس سران سازمان ملل برای پناهندگان و مهاجران در سال ۲۰۱۶<sup>۱۱</sup>

1 McAdam 5  
1 Kaczan & Orgill-Meyer 6  
1 Human mobility 7  
1 the Global Compact for Migration<sup>8</sup>  
1 the Global Compact on Refugees<sup>9</sup>

شناخته شده است. اهداف توسعه پایدار ۲۰۳۰ شامل اهداف (۷، ۱۰) و (۱۳) در خصوص تسهیل مهاجرت و جابجایی منظم، ایمن و مسئولانه مردم و اقدام اقلیمی در خصوص مقابله با تغییر اقلیم و اثرات فوری آن نیز به این موضوع اشاره دارند (کلپ، ۲۰۱۷؛ گمنه، ۲۰۱۱<sup>۲۴</sup>). اکثر محققین بر عوامل محیطیستی متأثر از تغییر اقلیم که می‌توانند در سال‌های آینده با تشدید طوفان‌ها، سیل‌ها، خشکسالی‌ها، افزایش سطح آب دریاها و بیابان‌زایی باعث جابه‌جایی و مهاجرت جمعیت شوند اتفاق نظر دارند. آنها انتظار دارند که اثرات گرم شدن جهان و رویدادهای شدید و مکرر اقلیمی، آسیب‌پذیری‌های موجود عمدتاً در جهان جنوب (کشورهای کمتر توسعه یافته)، در حوزه امنیت غذایی، مسائل بهداشتی و تامین منابع آبی را تشدید کند (کلپ، ۲۰۱۷).

تحقیقات تجربی در مورد ارتباط بین تغییر اقلیم و جابجایی بشر به دنبال گزارش ارزیابی هیئت بین دولتی تغییر اقلیم<sup>۲۵</sup> در سال ۲۰۰۷ گسترش یافت که این نظریه را تقویت کرد. با این حال، نسبت دادن مهاجرت‌ها را به تغییر اقلیم به این راحتی نیست چرا که اولاً، نسبت دادن یک رویداد یا پدیده خاص مرتبط با اقلیم صرفاً به تغییر اقلیم دشوار است و تنوع طبیعی اقلیم، در میان عوامل دیگر، نیز اهمیت دارد. دوم، تغییر اقلیم هرگز تنها علت تحرکات انسانی نیست. کارشناسان عموماً توافق دارند که تصمیمات برای جابجایی تحت تأثیر پنج دسته عمده محرک‌ها قرار می‌گیرند که عبارتند از: محرک‌های سیاسی، جمعیتی، اقتصادی، اجتماعی و محیطی. همه این محرک‌ها ممکن است برای تأثیرگذاری بر انتخاب‌ها و تصمیم‌گیری‌ها در مورد حرکت و جابه‌جایی، تعامل داشته باشند. محرک‌های زیست محیطی شامل قرار گرفتن در معرض خطرات و خدمات اکوسیستمی مانند بهره‌وری زمین، امنیت غذایی، انرژی و آب؛ و قابلیت سکونت، کلی است. تغییر اقلیم با افزایش آسیب‌پذیری، تخریب اکوسیستم‌ها و ناپایداری سکونت همراه است. علاوه بر این، تغییر اقلیم بر سایر محرک‌ها نیز تأثیر می‌گذارد. به عنوان مثال، تغییر اقلیم ممکن است از طریق تأثیر بر معیشت، دستمزدها و بازارها بر محرک‌های اقتصادی تأثیر بگذارد. همچنین تغییر اقلیم ممکن است با محرک‌های جابه‌جایی انسان تعامل کرده و آن را تشدید می‌کند، به همین دلیل است که گاهی اوقات از آن به عنوان "ضریب افزایش تهدید"<sup>۲۶</sup> یاد می‌شود. سوم، ویژگی‌های شخصی و خانواری است که با ایجاد موانع و یا تسهیل‌کننده‌ها بر تصمیم‌گیری بر حرکت و جابه‌جایی تأثیر می‌گذارد. ویژگی‌های فردی مانند سن، جنسیت و ناتوانی فردی ممکن است چالش‌های منحصر به فردی برای حرکت ایجاد کند. سرمایه فردی و خانواری ممکن است انتخاب‌های موجود را تضعیف یا تقویت کند. چارچوب‌ها و مسیرهای قانونی، شبکه‌های اجتماعی و فناوری نیز فرصت‌ها و موانعی را ایجاد می‌کنند (ویراسینگه، ۲۰۲۱<sup>۲۷</sup>). در این راستا، ماروتکه<sup>۲۸</sup> و همکاران (۲۰۲۱) اذعان می‌کنند که تغییرات محیطی - اقلیمی و مهاجرت‌های ناشی از آن به طور مستقیم مشهود نیستند، بلکه این ارتباط علیت خود

2 the Agenda for Humanity 0  
 2 the 2016 United Nations Summit for Refugees and Migrants  
 2 The 2030 Sustainable Development Goals (SDGs)  
 2 Klepp 3  
 2 Gemenne 4  
 2 Intergovernmental Panel on Climate Change  
 2 threat multiplier 6  
 2 Weerasinghe 7  
 2 Marotzke 8

را از طریق یک سری کانال‌ها، همچون از دست دادن بهره‌وری کشاورزی و اکوسیستم‌های تحت فشار نشان می‌دهد. در این زمینه، تغییرات محیطی را می‌توان به‌عنوان یک محرک در نظر گرفت، اما محرکی است که در برخی زمان‌ها با سایر محرک‌های مهاجرت، تلاقی می‌کند. به عنوان مثال، فقر عامل اصلی آسیب‌پذیری مردم در برابر شوک‌ها و عوامل استرس‌زای محیطی است، جریان فرار از فقر نیز تحت تأثیر تغییر اقلیم قرار می‌گیرد. کانال دیگری که تغییر اقلیم می‌تواند باعث مهاجرت انسان شود، نقش بحث برانگیز آن در تشدید یا ایجاد درگیری‌های داخلی است. در نهایت، تغییر شرایط محیطی، همراه با بهره‌برداری اقتصادی ناپایدار یا غیراخلاقی از منابع طبیعی، می‌تواند به از بین رفتن زیستگاه‌های انسانی بینجامد. به طور کلی به دلیل چند علتی بودن ماهیت مهاجرت، رویدادها و شرایط اقلیمی معمولاً با فرآیندهای فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و سایر فرآیندهای غیراقلیمی که بر تصمیم‌گیری مهاجرت تأثیر می‌گذارند، تعامل دارند. اما محرک اقلیمی ممکن است آنقدر محکم و قوی با عوامل دیگر در هم تنیده باشد که تفکیک و جداسازی آن دشوار باشد (ماروتکه و همکاران، ۲۰۲۰).

با فرض پذیرش تأثیر مستقیم یا غیرمستقیم اقلیم بر جابه‌جایی‌های انسانی، با این حال، بحث در مورد تعریف مهاجران یا پناهندگان اقلیمی نیز در ادبیات قابل توجه است. مهاجرت ناشی از تغییر اقلیم چه در اصطلاح "پناهندگان اقلیمی"، "مهاجران محیط‌زیستی" یا "مهاجران اقتصادی" چهره‌های بسیاری دارد (مانو و میهر<sup>۲</sup>، ۲۰۱۷). علاوه بر "مهاجران محیط‌زیستی"، "مهاجران اکولوژیکی" و "پناهندگان محیط‌زیستی"، مفهوم مهم دیگر "آوارگان داخلی" است که می‌تواند گاهی پناهنده یا گاهی "مهاجران محیط‌زیستی" باشد. به نظر می‌رسد آوارگان داخلی "اشخاص یا گروهی از افراد هستند که در نتیجه یا به منظور جلوگیری از تأثیرات ناشی از درگیری مسلحانه، شرایط خشونت عمومی، نقض حقوق، مخاطرات طبیعی یا انسانی جابه‌جا شده و یا افرادی که از مرزهای شناخته شده بین المللی عبور نکرده‌اند" نیز تبدیل به مهاجران محیط‌زیستی شوند (اونروه<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۰۵). محققان سعی می‌کنند برای تمایز "مهاجران اقتصادی" و "مهاجران محیط‌زیستی" مرزی را قائل شوند. یک استدلال رایج نشان می‌دهد که مهاجران اقتصادی به عوامل دافعه و جاذبه<sup>۴</sup> پاسخ می‌دهند، در حالی که "مهاجران محیط‌زیستی" چاره‌ای جز فرار ندارند، بنابراین فقط به عوامل فشار پاسخ می‌دهند. آنها اغلب گزینه‌ها یا انتخاب‌های محدودی در مواجهه با شرایط اضطراری دارند.

مسائل مربوط به محیط‌زیست و مهاجرت در سال ۱۹۸۵ با گزارش "پناهندگان محیط‌زیستی" که توسط برنامه محیط‌زیست سازمان ملل متحد<sup>۳</sup> منتشر شد، مورد توجه قرار گرفت. تعریف این برنامه از مهاجرت محیط‌زیستی بر علیت متمرکز است و حداقل بخشی از تعریف نئوکلاسیک را در رابطه با عوامل فشار منعکس می‌کند. یونپ پناهندگان محیط‌زیستی را اینگونه تعریف می‌کند:

<sup>2</sup> Manou & Mihr 9

<sup>3</sup> Unruh 0

<sup>3</sup> Pull- push factors 1

<sup>3</sup> United Nations Environment Programme (UNEP)

"... افرادی که به طور موقت یا دائمی محل زندگی خود را به دلیل اختلالات شدید محیط‌زیست (طبیعی و یا ایجاد شده توسط افراد) که وجود آنها را به مخاطره انداخته و یا کیفیت زندگی آنها را تحت تأثیر جدی قرار داده است، به اجبار ترک کنند. منظور از "اختلال محیط‌زیستی" هرگونه تغییر فیزیکی، شیمیایی و یا بیولوژیکی در اکوسیستم است که آن را به صورت موقت یا دائمی برای حمایت از زندگی انسان نامناسب می‌کند".

به اعتقاد برخی محققان، تعریف سازمان ملل معیارهای کلی متمایز کننده پناهندگان محیط‌زیستی از سایر انواع مهاجران را ارائه نمی‌دهد و همچنین تفاوت‌های بین مهاجران محیط‌زیستی و پناهندگان را مشخص نمی‌کند. برخی از مفسران استدلال می‌کنند که تخریب محیط‌زیست ممکن است همیشه برای ایجاد مهاجرت کافی نباشد، بنابراین ممکن است بین مهاجران با استفاده از تعریف کلاسیک که بر انتخاب تأکید دارد و پناهندگان اقلیمی، که چاره‌ای جز مهاجرت ندارند، همپوشانی ایجاد شود. طبق نظریه مهاجرت کلاسیک که "مهاجرت داوطلبانه" را مشخص می‌کند، تصمیم به مهاجرت همیشه در سطح فردی یا خانوادگی گرفته می‌شود. مهاجران داوطلبانه انگیزه‌های مختلفی را دنبال می‌کنند. تغییر اقلیم ممکن است به عنوان یک اجبار خارجی برای مهاجرت تلقی شود و به پناهندگان سیاسی یا مذهبی که برای فرار از آزار و شکنجه مهاجرت می‌کنند، تشبیه شود. بنابراین طبقه‌بندی افراد آواره توسط عوامل محیط‌زیستی و اقلیمی مبهم به نظر می‌رسد. اینکه آنها "مهاجر" هستند یا "پناهنده"؟ کنوانسیون ۱۹۵۱ پناهندگان سازمان ملل متحد عامل محیط‌زیست را به عنوان به عنوان انگیزه‌ای برای تصمیم‌گیری در مورد مهاجرت در نظر نمی‌گیرد، بنابراین تعریف این نوع مهاجرت برای نظریه‌پردازان، به عنوان یک چالش اصلی مطرح شده است. بسیاری از محققان رویکردهای متفاوتی را برای تعریف پناهندگان اقلیمی و دستیابی به راه‌حلی پایدار که در چارچوب کنوانسیون پناهندگان ۱۹۵۱ سازمان ملل متحد و پروتکل ۱۹۶۷ قرار گیرد و مهاجرت ناشی از تغییر اقلیم را در یک چارچوب قانونی قرار دهد، توصیه می‌کنند (احسن و همکاران، ۲۰۱۴). با وجود همه این مباحث در مورد پناهندگان یا مهاجران اقلیمی، یک تعریف کاربردی از مهاجرت مربوط به تغییر اقلیم توسط نیوتن<sup>۳۳</sup> و همکارانش (۲۰۰۸) طراحی و توسط سازمان بین‌المللی مهاجرت (۲۰۰۸) پشتیبانی شد، این تعریف عبارت است از:

«... افراد یا گروه‌هایی از افراد که به دلایل قانع کننده تغییرات ناگهانی یا پیش‌رونده محیط‌زیستی که بر زندگی یا شرایط زندگی آنها تأثیر منفی می‌گذارد، موظف به ترک خانه‌های خود هستند، و یا افرادی که به صورت موقت و یا دائمی این کار را انجام دهند و یا در داخل کشور خود یا خارج از کشور حرکت کنند».

### ۲.۳. اشکال مهاجرت‌های اقلیمی

پدیده‌های ناگهانی و پدیده‌های تدریجی یا پیش‌رونده اقلیمی و محیط‌زیستی، شکل‌های متفاوتی از جابه‌جایی انسانی ایجاد می‌کنند. به عنوان نمونه وقوع طوفان‌ها و سیل‌ها به عنوان مخاطرات طبیعی ناگهانی در مقیاس وسیع به جابه‌جایی انسان‌ها منجر

می‌شوند و در چنین شرایطی مردم به مراکز تخلیه نزدیک فرار می‌کنند یا در کنار خانواده و دوستان پناه می‌گیرند و یا چنانچه امن‌ترین مسیر از طریق مرز بین‌المللی میسر باشد، ممکن است حتی جابه‌جایی‌های مرزی نیز رخ دهد. بسته به شرایط، این جابه‌جایی‌ها می‌تواند کوتاه‌مدت باشد و مردم سریع‌تر به خانه‌های خود بازگردند و بازسازی را آغاز کنند، اما چنانچه شرایط برای بازسازی میسر نباشد، جابه‌جایی‌ها نیز می‌توانند طولانی‌تر شوند. پدیده‌های تدریجی یا پیش‌رونده مانند افزایش سطح آب دریا، بیابان‌زایی یا کاهش مداوم بارش‌ها در طول زمان‌های طولانی‌تر رخ می‌دهند. جابه‌جایی‌های موقت، فصلی یا دائمی به خارج از مناطق در معرض خطر به دلیل کاهش تدریجی فرصت‌های معیشتی ایجاد می‌شود. این نوع از جابه‌جایی‌ها در مقیاس کوچک‌تر، در سطح فردی و خانوار رخ می‌دهد و ابعاد آن در مقایسه با جابه‌جایی‌های ناشی از مخاطرات ناگهانی کوچک‌تر است.

رخداد‌های تدریجی می‌توانند مخاطرات ناگهانی ایجاد کرده و منجر به جابه‌جایی شوند. به عنوان مثال، هنگامی که تغییرات بارندگی ناشی از تغییر اقلیم منجر به خشکسالی و ناامنی شدید غذایی می‌شود یا زمانی که افزایش سطح آب دریا با وقوع طوفان‌ها همراه می‌شود، موج مخرب بزرگی را ایجاد می‌کنند. مخاطرات مکرر یا فصلی ناگهانی مانند سیل و طوفان نیز ممکن است فرصت و شرایطی را برای مهاجرت تدریجی و برنامه‌ریزی شده ایجاد کنند. حرکت از مناطق روستایی به شهرها به شهرنشینی کمک می‌کند، غافل از اینکه مهاجرت و جابه‌جایی به محله‌های فقیرنشین شهری و مناطق در معرض خطر، مناطق جدیدی از قرار گرفتن در معرض آسیب‌پذیری را برای این دسته از مهاجران ایجاد می‌کند.

از آنجایی که اشکال جابه‌جایی در اثر مخاطرات اقلیمی می‌تواند شکل‌های مختلفی به خود گیرد، در دسامبر ۲۰۱۰، تصمیم محوری کنفرانس اعضا<sup>۳</sup> در کوپ ۱۶ و کنوانسیون چارچوب سازمان ملل درباره تغییر اقلیم<sup>۴</sup> بر سه نوع جابه‌جایی تأکید کردند:



شکل ۱- انواع جابه‌جایی ناشی از تغییر اقلیم

<sup>3</sup> COP16

4

<sup>3</sup> UNFCCC

5

جابه‌جایی یا آوارگی<sup>۶</sup> به حرکت عمدتاً اجباری اطلاق می‌شود، در حالی که مهاجرت عموماً حرکت داوطلبانه محسوب می‌شود. جابه‌جایی برنامه‌ریزی شده<sup>۷</sup> نیز فرایندی را توصیف می‌کند که در آن افراد یا گروه‌هایی از نظر فیزیکی از خانه‌های خود نقل مکان کرده و به طور دائم در مکان جدیدی مستقر می‌شوند. این جابه‌جایی بسته به شرایط، ممکن است اجباری یا داوطلبانه باشد. در این میان فردی که از مکان زندگی خود فرار می‌کند و یا توسط مقامات برای جلوگیری از آسیب جدی ناشی از مخاطرات قریب الوقوع خانه خود را تخلیه می‌کند، در گروه آوارگان قرار می‌گیرد. اما فردی که تحت یک برنامه فصلی که برای رفع پیامدهای تغییر اقلیم در یک کشور مبدا طراحی شده است و یا برای جبران کمبود نیروی کار در یک کشور مقصد، از مرزهای بین‌المللی عبور می‌کند، در گروه مهاجران قرار می‌گیرد (ویراسینگه، ۲۰۲۱).

### ۳. یافته‌های تحقیق

در این بخش به معرفی و تحلیل چارچوب‌های قانونی در حوزه مهاجران اقلیمی پرداخته می‌شود. بدین منظور چارچوب‌های منتخب جهت بررسی موضوع مورد مطالعه در عرصه بین‌المللی عبارتند از: کنوانسیون چارچوب سازمان ملل درباره تغییر اقلیم، توافقنامه پاریس، چارچوب اهداف توسعه پایدار، پیمان جهانی مهاجرت ایمن، منظم و قانونی و ابتکار نansen<sup>۸</sup> و پلتفرم آن در مورد جابه‌جایی‌های ناشی از بلایا<sup>۹</sup> (PDD). همچنین در برخی از اسناد فرادستی در داخل کشور ایران نیز به موضوع اهمیت تغییر اقلیم پرداخته شده است که عبارتند از: آیین‌نامه اجرایی کنوانسیون تغییر اقلیم و پروتکل کیوتو، سند چشم‌انداز ۱۴۰۴، سیاست‌های کلی محیط زیست، برنامه ششم توسعه کشور، برنامه راهبرد ملی مقابله با تغییر اقلیم و سند ملی آمایش سرزمین.

#### ۱.۳. چارچوب‌های قانونی بین‌المللی برای محافظت از مهاجران اقلیمی

به طور خاص، هیچ چارچوب جامع بین‌المللی یا مجموعه‌ای از ابزارهای سیاست ملی برای رسیدگی به مهاجرت ناشی از اقلیم خواه «اجباری» یا «داوطلبانه» که در آن خطرات گسترده در حال افزایش است، وجود ندارد. این امر مشکل‌ساز است، زیرا احتمالاً تغییر اقلیم محرک مهم مهاجرت در آینده خواهد بود. از سوی دیگر تأکید بر مزایای بالقوه مهاجرت به عنوان یک استراتژی سازگاری نیز وجود ندارد. این مسائل تا حدودی به این دلیل که بسیار پیچیده هستند، همچنین به شدت سیاسی نیز هستند. دولت‌ها تمایلی به رسیدگی به مهاجرت و جابه‌جایی فرامرزی از طریق یک توافقنامه جهانی را ندارند و ترجیح می‌دهند قوانین داخلی خود را توسعه دهند و در مورد توافقنامه‌های دوجانبه مذاکره کنند. این مورد حتی در مورد جابه‌جایی‌های ناشی از درگیری در سراسر مرزها نیز صادق است، جایی که پناهندگان توسط کنوانسیون پناهندگان ۱۹۵۱ محافظت می‌شوند، اما کشورها اغلب این را چه در روح و چه در عمل نقض می‌کنند. از این رو، به دست آوردن توافقنامه بین‌المللی در مورد مهاجرت ناشی از تغییر اقلیم بسیار دشوارتر خواهد بود. علاوه بر این، حرکت در سراسر مرزهای بین‌المللی، چه در پاسخ به درگیری یا اثرات اقلیمی، به طور

<sup>3</sup> Displacement 6

<sup>3</sup> Planned relocation 7

<sup>3</sup> Nansen Initiative 8

<sup>3</sup> the Platform on Disaster Displacement (PDD)

فزاینده‌ای توجه را در برنامه‌های امنیت ملی به خود جلب می‌کند، جایی که به عنوان یک موضوع منفی و یک مشکل برای کشورهای میزبان در نظر گرفته می‌شود. در قانون تغییر اقلیم، موافقت نامه پاریس (کوپ ۲۱)، اولین توافق نامه اقلیمی الزام آور قانونی و اولین توافق نامه‌ای است که به طور رسمی "مهاجران" را در مقدمه گنجانده است (سازمان بین المللی مهاجرت، ۲۰۲۴). در ادامه به شرح برخی از چارچوب‌های قانونی بین‌المللی در حوزه تغییر اقلیم و مهاجرت پرداخته می‌شود:

## • کنوانسیون چارچوب سازمان ملل درباره تغییر اقلیم<sup>۴۰</sup>

آوارگی، جابه‌جایی و جابه‌جایی برنامه‌ریزی شده به عنوان یکی از موضوعات مهم در مدیریت مخاطرات اقلیمی تحت کنوانسیون چارچوب سازمان ملل درباره تغییر اقلیم، به ویژه در اموری که تحت جریان‌های سازگاری، خسارت و آسیب انجام می‌شود، مطرح شده است. این کنوانسیون برای اولین بار با چارچوب سازگاری کانکون<sup>۴۱</sup> در سال ۲۰۱۰، اهمیت فزاینده تحرک انسان را به رسمیت شناخت (سازمان بین المللی مهاجرت<sup>۴۲</sup> بدون تاریخ). نخستین باری که این موضوع در سیاست بین‌المللی اقلیم به رسمیت شناخته شد، در نشست کوپ ۱۶ یعنی زمانی بود که طرفین چارچوب سازگاری کانکون<sup>۴۳</sup> را به تصویب رساندند. این موضوع در بند ۱۴ مورد اشاره قرار گرفته بود که طیف وسیعی از حرکات افراد را بیان می‌کرد، اینکه چه اقداماتی باید انجام شود و این اقدامات در چه سطحی قابل انجام است:

بند ۱۴: (و) اقدامات برای افزایش درک، هماهنگی و همکاری در رابطه با جابه‌جایی ناشی از تغییر اقلیم، مهاجرت و جابه‌جایی برنامه‌ریزی شده، در صورت لزوم، در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی.

## وظایف چارچوب مذاکرات اقلیمی سازمان ملل متحد برای تغییر اقلیم در قبال جابه‌جایی‌های اقلیمی وظایف کشورها:

- اجرای قوانین، سیاست‌ها، استراتژی‌ها برای جلوگیری، به حداقل رساندن و رسیدگی به جابه‌جایی‌ها؛
- تحقیق، جمع‌آوری داده‌ها، تجزیه و تحلیل ریسک از جمله مشارکت جامعه؛
- تقویت آمادگی (هشدار سریع، برنامه‌ریزی حوادث غیرمترقبه، برنامه‌ریزی برای تخلیه، تاب‌آوری، رویکردهای ابتکاری مانند تأمین منابع مالی)؛
- فرآیندهای برنامه‌ریزی ملی؛
- یافتن راه‌حل‌های بادوام.
- تسهیل مهاجرت ایمن، منظم، قانونی.

<sup>40</sup> United Nations Framework Convention on Climate Change (UNFCCC)

<sup>41</sup> the 2010 Cancun Adaptation Framework

<sup>42</sup> International organization for migration

<sup>43</sup> Cancun Adaptation Framework

- ارائه حمایت (مالی، فناوری، ظرفیت سازی) از جمله به جوامع آسیب دیده؛
- افزایش همکاری های منطقه ای، فرامنطقه ای و فرامرزی؛
- توسعه و به اشتراک گذاری شیوه های خوب (درک ریسک، دسترسی به پشتیبانی، کمک و حفاظت، اسناد حقوقی بین المللی و چارچوب های هنجاری)؛
- دعوت از دبیرکل سازمان ملل متحد برای بازنگری استراتژیک در سطح سیستم و تسهیل رویکردهای یکپارچه برای جلوگیری، به حداقل رساندن و رسیدگی به جابه جایی ها.

#### • توافقنامه پاریس<sup>۴۴</sup>

توافقنامه پاریس یک معاهده بین المللی الزام آور قانونی در مورد تغییر اقلیم است که در سال ۲۰۱۵ توسط ۱۹۶ طرف عضو در مذاکرات کوپ ۲۱ در پاریس به تصویب رسید و در سال ۲۰۱۶ لازم الاجرا شد. هدف این توافقنامه محدود کردن گرمایش زمین به کمتر از ۲ درجه سانتیگراد و ترجیحا به ۱٫۵ درجه سانتیگراد در مقایسه با سطوح پیش از صنعتی شدن است. توافق پاریس، نقطه عطفی در فرآیند چندجانبه تغییر اقلیم است؛ زیرا برای اولین بار، یک توافق الزام آور همه کشورها را به یک هدف مشترک برای انجام تلاش های بلندپروازانه برای مقابله با تغییر اقلیم و سازگاری با اثرات آن می آورد. برای چارچوب بندی بهتر تلاش ها برای رسیدن به هدف بلندمدت، توافقنامه پاریس از کشورها دعوت می کند تا استراتژی های توسعه بلندمدت انتشار گازهای گلخانه ای را تا سال ۲۰۲۰ تدوین و ارائه کنند. توافقنامه کوپ ۲۱ پاریس نشان دهنده یک پیشرفت بی سابقه برای اقدام در زمینه مهاجرت و اقلیم با گنجاندن رسمی "مهاجران" در مقدمه توافق است. در این بیانیه آمده است: «با اذعان به اینکه تغییر اقلیم نگرانی مشترک بشریت است، طرفین باید هنگام اقدام برای رسیدگی به تغییر اقلیم، به تعهدات مربوط به حقوق بشر، حق سلامت، حقوق مردمان بومی و محلی احترام بگذارند، جوامع، مهاجران، کودکان، افراد دارای معلولیت و افراد در موقعیت های آسیب پذیر و حق توسعه، و نیز برابری جنسیتی، توانمندسازی زنان و برابری بین نسلی را ترویج کنند و در نظر بگیرند». بند ۵۰ تصمیم کوپ که به ضرر و زیان اشاره دارد، همچنین به "رویکردهای یکپارچه برای جلوگیری، به حداقل رساندن و رسیدگی به جابه جایی های مربوط به اثرات نامطلوب تغییر اقلیم" اشاره دارد (ایونسکه، ۲۰۱۵).

#### • بیانیه نیویورک برای مهاجران و پناهندگان<sup>۴۵</sup>

این بیانیه به طور رسمی اهمیت مهاجرت، محیط زیست و مسائل مربوط به تغییر اقلیم را تصدیق می کند. بیانیه نیویورک برای پناهندگان و مهاجران، در ۱۹ سپتامبر ۲۰۱۶ در طول هفتاد و یکمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسید. این بیانیه، عوامل جوی و محیطی را که محرک های مهم مهاجرت اجباری و داوطلبانه هستند را به رسمیت می شناسد که و

<sup>4</sup> The Paris Agreement

<sup>4</sup> The New York Declaration for Refugees and Migrants

همچنین خاطرنشان می‌کند که تأثیرات جنبش‌های مهاجرت بر محیط زیست نباید نادیده گرفته شود. برخی از عناصر قابل توجه در رابطه با مهاجرت، محیط زیست، تغییر اقلیم و بلایای طبیعی در این بیانیه عبارتند از:

- ✓ ابعاد تاریخی و چند علتی مهاجرت‌های محیط زیستی را تشخیص داده و درک متعادلی از تفاوت‌های ظریف بین فرآیندهای مرتبط با محیط زیست و تغییر اقلیم ارائه می‌دهد.
- ✓ این توجه را به طیف وسیعی از فرصت‌های سیاست مهاجرت، از جلوگیری از مهاجرت اجباری گرفته تا پذیرش مهاجرت داوطلبانه جلب می‌کند و بین تغییرات اقلیم، بلایای طبیعی، تخریب محیط‌زیست، مهاجرت و دستیابی به اهداف توسعه پایدار ارتباط برقرار می‌کند.
- ✓ به رسمیت شناختن این مساله که بلایای طبیعی، اثرات نامطلوب تغییرات آب و هوایی بر معیشت و تخریب محیط‌زیست، محرک‌های تحرک انسان هستند (سازمان بین‌المللی مهاجرت، ۲۰۱۸).

#### • چارچوب اهداف توسعه پایدار

انتظار می‌رود دستیابی به اهداف توسعه پایدار با توجه به روندهای فعلی شوک‌های محیط‌زیستی و عوامل استرس‌زا، چالش برانگیز باشد. از آنجایی که جابه‌جایی یکی از پاسخ‌های انسان به اثرات شوک‌های محیطی و عوامل استرس‌زا است، ارزیابی چالش‌ها یا فرصت‌هایی که جابه‌جایی ممکن است برای اهداف توسعه پایدار ایجاد کند، ضروری است. اهداف ۸ و ۱۰ توسعه پایدار، به مهاجرت و وجوه ارسالی مهاجران اشاره دارد. سایر اهداف توسعه پایدار، مستقیماً به مهاجرت یا رابطه بین تغییر اقلیم و مهاجرت نمی‌پردازند. هدف هشتم توسعه پایدار، ارتقای رشد اقتصادی فراگیر و پایدار، اشتغال کامل و مولد و شایسته برای همه را پیش‌بینی می‌کند. هدف ۱۰ توسعه پایدار نیز کاهش نابرابری در داخل و بین کشورها را مورد اشاره قرار داده است. بسیاری از کارگران مهاجر از جوامع روستایی که در برابر رویدادهای شدید اقلیمی آسیب‌پذیر هستند، بخشی از اقتصاد غیررسمی را تشکیل می‌دهند. در طول یک بحران، اولین کارگرانی که در بخش‌های کار فشرده اخراج می‌شوند، معمولاً کارگران موقتی هستند که بسیاری از آنها مهاجر محسوب می‌شوند. بسیاری از بیکاران هند در طول بحران مالی جهانی سال ۲۰۰۸، کارگران مهاجر با قراردادهای کوتاه مدت بودند. این کارگران بخش غیررسمی به مزایای تامین اجتماعی یا حمایت قانونی دسترسی ندارند. علاوه بر این، دسترسی کارگران مهاجر به حمایت اجتماعی در مقصدشان نیز به دلیل مقررات یا رویه اداری محدود شده است (سازمان بین‌المللی مهاجرت، ۲۰۱۷).

#### • پیمان جهانی مهاجرت ایمن، منظم و قانونی

در آستانه بحث درباره توافق جهانی برای مهاجرت ایمن، منظم و قانونی، در دستور کار سازمان ملل متحد برای توسعه پایدار به مهاجرت اشاره شده است، اگرچه ارتباط بین مهاجرت و محیط‌زیست به صراحت بیان نشده است. با این اوصاف، دستور کار توسعه پایدار و اهداف مربوط به آن برای سال ۲۰۳۰ راه را برای پیوند مهاجرت و محیط‌زیست در چارچوب‌های آینده هموار

کرده است. نکته قابل توجه پیمان جهانی مهاجرت ایمن، منظم و قانونی است که از نظر قانونی، پیمان غیر الزام‌آور دولتی است که مستقیماً با هدف ۱۰,۷ دستور کار توسعه پایدار مرتبط است:

هدف ۱۰,۷: تسهیل مهاجرت و جابه‌جایی ایمن، منظم و مسئولانه، از طریق اجرای سیاست‌های مهاجرت برنامه‌ریزی شده و مدیریت شده.

در مدیریت مهاجرت، پیمان جهانی برای مهاجرت ایمن، منظم و قانونی، نقطه عطفی در سیاست بین‌المللی برای شناسایی و پرداختن به پیوندهای بین جابه‌جایی جمعیت و تغییر اقلیم به شمار می‌رود. این پیمان به وضوح مخاطرات تدریجی محیط‌زیستی، مخاطرات طبیعی و تغییر اقلیم را به عنوان محرک‌های مهاجرت معاصر شناسایی می‌کند. این پیمان جهانی اذعان می‌کند که اقدامات کاهش و سازگاری با تغییر اقلیم در کشورهای مبدأ باید در اولویت قرار گیرند تا عوامل مهاجرت به حداقل برسد. همچنین بر نیاز کشورها به طراحی تدابیری برای تقویت مسیرهای مهاجرت قانونی، مانند گزینه‌های ویزا و جابه‌جایی برنامه‌ریزی‌شده، در مواردی که سازگاری با تغییر اقلیم دیگر امکان‌پذیر نیست، تأکید می‌کند. این بند نیز مطابق با هدف ۱۰,۷ توسعه پایدار سازمان ملل است (شورای اروپا، ۲۰۲۱).<sup>۴۶</sup>

#### • ابتکار نansen و پلتفرم آن در مورد جابه‌جایی‌های ناشی از بلایا<sup>۴۷</sup>

ابتکار نansen یک فرآیند مشاوره‌ای تحت رهبری دولت برای ایجاد اجماع در مورد یک دستور کار حفاظتی است که به نیازهای افراد آواره در آن سوی مرزها در زمینه بلایا و اثرات تغییر اقلیم رسیدگی می‌کند. ابتکار نansen یک فرآیند مشاوره‌ای از پایین به بالا است که شامل ذینفعان مختلف در تهیه توصیه‌ها بوده و منجر به توسعه و تأیید دستور کار برای حفاظت از افراد آواره فرامرزی شده است. این ابتکار ضمن تمرکز بر حمایت از مردم، دامنه وسیع‌تری برای پرداختن به مسائل همکاری و همبستگی بین‌المللی، استانداردهای رفتار با افراد آسیب‌دیده در مورد پذیرش، اقامت و دسترسی آنها به حقوق اولیه؛ و پاسخ‌های عملیاتی شامل مکانیسم‌های تامین مالی و مسئولیت‌های بازیگران بین‌المللی در حوزه‌های بشردوستانه و توسعه‌ای را دارد. این ابتکار بر حفاظت و کمک به مردم به هنگام جابه‌جایی و همچنین به راه‌حل‌های بلندمدت پس از یک فاجعه تمرکز می‌کند، اما چالش‌های آمادگی قبل از وقوع جابه‌جایی را نیز در نظر می‌گیرد. در حالی که ابتکار بر نیازهای افراد آواره در آن سوی مرزها تمرکز دارد، همچنین پیوندهای دو طرفه با موضوعات مرتبط مانند کاهش خطر بلایا، جابه‌جایی داخلی یا مدیریت مهاجرت را به عنوان یک اقدام سازگاری برجسته می‌کند (کالین، ۲۰۱۴).<sup>۴۸</sup> برخی اصول ابتکار نansen عبارتند از:

۱. واکنش‌ها به تغییر اقلیم و جابه‌جایی‌های مرتبط با محیط‌زیست باید با دانش کافی و هدایت اصول اساسی انسانیت، کرامت انسانی، حقوق بشر و همکاری بین‌المللی صورت گیرد.

<sup>4</sup> Council of Europe

<sup>4</sup> The Nansen Initiative and the subsequent Platform on Disaster Displacement (PDD)

<sup>4</sup> Kälin

۲. دولت‌ها وظیفه اصلی حفاظت از جمعیت خود و توجه ویژه به نیازهای ویژه افرادی را دارند که در برابر تغییر اقلیم و سایر مخاطرات محیط‌زیستی، از جمله آوارگان، جوامع میزبان و افرادی که در معرض خطر جابه‌جایی هستند. توسعه قوانین، سیاست‌ها، نهادها و همچنین سرمایه‌گذاری منابع کافی در این زمینه کلیدی است.
۳. رهبری و مشارکت دولت‌ها و جوامع محلی، جامعه مدنی و بخش خصوصی برای رسیدگی موثر به چالش‌های ناشی از تغییر اقلیم، از جمله چالش‌های مرتبط با تحرک انسانی مورد نیاز است.
۴. زمانی که ظرفیت ملی محدود است، چارچوب‌های منطقه‌ای و همکاری‌های بین‌المللی باید از اقدامات در سطح ملی حمایت کرده و به ایجاد ظرفیت ملی، حمایت از طرح‌های توسعه، جلوگیری از جابه‌جایی، حفاظت از مردم و جوامع متأثر از این جابه‌جایی و یافتن راه‌حل‌های پایدار کمک کند.
۵. پیشگیری و تاب‌آوری باید در تمامی سطوح، به ویژه از طریق منابع کافی، تقویت شود. بازیگران بین‌المللی، منطقه‌ای و محلی، مسئولیت مشترکی برای اجرای اصول مندرج در چارچوب اقدام هیوگو<sup>۹</sup> ایجاد تاب‌آوری ملل و جوامع در برابر بلایا دارند.
۶. ایجاد ظرفیت محلی و ملی برای آماده‌سازی و واکنش به بلایا اساسی است. در عین حال، سیستم بین‌المللی واکنش به بلایا باید تقویت شود. توسعه سیستم‌های هشدار زودهنگام چندخطری که سطوح محلی و جهانی را به هم مرتبط می‌کند، بسیار مهم است.
۷. هنجارهای موجود حقوق بین‌الملل باید به طور کامل مورد استفاده قرار گرفته و شکاف‌های هنجاری برطرف شود.
۸. اصول راهنمای جابه‌جایی‌های داخلی، چارچوب قانونی مناسبی را برای رسیدگی به نگرانی‌های حفاظتی ناشی از جابه‌جایی‌های داخلی مرتبط با اقلیم و محیط‌زیست ارائه می‌دهد. دولت‌ها تشویق می‌شوند تا از اجرا و عملیاتی شدن کافی این اصول از طریق قوانین، سیاست‌ها و نهادهای ملی اطمینان حاصل کنند.
- ج. رویکرد منسجم‌تر و ثابت‌تر در سطح بین‌المللی برای برآوردن نیازهای حفاظتی افرادی که به دلیل بلایای ناگهانی جابه‌جا شده‌اند، مورد نیاز است. کشورها، با همکاری کمیساریای عالی سازمان ملل و سایر ذینفعان مربوطه، می‌توانند یک چارچوب یا ابزار راهنما در این زمینه طراحی کنند.
۱۰. سیاست‌ها و واکنش‌های ملی و بین‌المللی، از جمله جابه‌جایی برنامه‌ریزی‌شده، باید بر اساس عدم تبعیض، رضایت، توانمندسازی و مشارکت با افرادی که مستقیماً تحت تأثیر قرار می‌گیرند، با حساسیت لازم به ابعاد سنی، جنسی و تنوع اجرا شوند. صدای آوارگان یا افرادی که در معرض خطر جابه‌جایی، از دست دادن خانه یا معیشت خود هستند، باید شنیده شده و مورد توجه قرار گیرد.

پلتفرم جابه‌جایی ناشی از بلایا، عملکرد هماهنگ کننده در کمک به دولت‌ها برای مقابله با شکاف‌های دانش، ارتقای انسجام سیاست‌ها و جریان اصلی تحرک انسانی در تدوین سیاست‌ها را برعهده دارد. به عنوان روند پیگیری ابتکار نansen، وظیفه اجرای توصیه‌های دستور کار حفاظتی نیز بر عهده آن است. دستور کار حفاظتی سه حوزه اولویت‌دار را برای اقدامات آتی مشخص می‌کند: جمع‌آوری داده‌ها و افزایش دانش، افزایش استفاده از اقدامات حفاظتی بشردوستانه و تقویت مدیریت خطرات جابه‌جایی ناشی از مخاطرات طبیعی در کشور مبدأ (به عنوان مثال از طریق تسهیل مهاجرت با عزت به عنوان یک راه‌حل مثبت بالقوه برای مقابله با بلایا و اثرات اقلیمی و استفاده از جابه‌جایی برنامه‌ریزی شده به عنوان یک اقدام پیشگیرانه یا پاسخگو در برابر خطرات جابه‌جایی ناشی از مخاطرات). کمیته مشورتی پلتفرم جابه‌جایی ناشی از مخاطرات، متشکل از سازمان‌های بین‌المللی، سازمان‌های غیردولتی، دانشگاه‌ها و سایرین است که برای کاهش خطرات جابه‌جایی ناشی از مخاطرات طبیعی و پیشبرد حفاظت از آوارگان تلاش می‌کند. این سازو کار با متولیان کلیدی، از جمله سازمان بین‌المللی مهاجرت و دفتر کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان همکاری می‌کند.

مسائل مربوط به مهاجرت‌های اقلیمی همچنین به طور فزاینده‌ای در دستور کار سیاست‌های مختلف نیز قرار گرفته است. برخی از برنامه‌های سیاستی که ارتباط مستقیمی با تغییر اقلیم، محیط زیست و مهاجرت دارند عبارتند از: انجمن جهانی مهاجرت و توسعه<sup>۵۱</sup>؛ ابتکار مهاجران در کشورهای در بحران<sup>۵۲</sup>؛ چارچوب سندای برای کاهش خطر مخاطرات طبیعی؛ اجلاس جهانی بشردوستانه<sup>۵۳</sup>؛ مجمع محیط‌زیست سازمان ملل متحد<sup>۵۴</sup>؛ کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با بیابان‌زایی<sup>۵۵</sup>؛ انجمن آسیب‌پذیری اقلیم<sup>۵۶</sup>؛ و دستور کار جدید شهری<sup>۵۷</sup> که به طور مشابه، به مسائل مربوط به مهاجرت، محیط‌زیست و تغییر اقلیم پرداخته‌اند.

اگرچه تمامی این اقدامات در حوزه حمایت از مهاجرت‌های مرتبط با تغییر اقلیم، گام‌هایی در مسیر درست هستند، اما نیاز به ایجاد چارچوب‌های حقوقی بین‌المللی جامع و منسجم‌تر برای رسیدگی به مسئله جابه‌جایی در زمینه تغییر اقلیم دارند. به عنوان مثال، وضعیت پناهندگی در حال حاضر به افرادی که عمدتاً به دلایل محیط‌زیستی، از جمله تأثیرات تغییر اقلیم، مهاجرت می‌کنند، اعطا نمی‌شود - حتی در شرایطی که مؤسسات بین‌المللی به طور فزاینده‌ای پیوندهای بین تغییر اقلیم و جابه‌جایی را تشخیص می‌دهند. حمایت از قوانین بین‌المللی پناهندگان می‌تواند برای افرادی که به دلیل تأثیرات ثانویه ناشی از تغییر اقلیم که زمینه‌ای برای وضعیت پناهندگی در نظر گرفته می‌شوند، مانند درگیری‌های مسلحانه، تحت معیارهای کنوانسیون پناهندگان ۱۹۵۱ در مورد

<sup>5</sup> The Global Forum on Migration and Development (GFMD)

<sup>5</sup> The Migrants in Countries in Crisis initiative (MICIC)

<sup>5</sup> The World Humanitarian Summit (WHS)

<sup>5</sup> The United Nations Environment Assembly (UNEA)

<sup>5</sup> The United Nations Convention to Combat Desertification (UNCCD)

<sup>5</sup> The Climate Vulnerable Forum (CVF)

<sup>5</sup> The New Urban Agenda <sup>6</sup>

«دینامیک پیوند»<sup>۵۷</sup> اعمال شود. افرادی که به دلیل تغییر اقلیم جابه‌جا شده‌اند نیز می‌توانند، از طریق اصل عدم بازگرداندن<sup>۵۸</sup> مبتنی بر حقوق بشر از حمایت برخوردار شوند. جدول زیر به طور خلاصه چارچوب‌های بین‌المللی در زمینه جابه‌جایی‌های اقلیمی را نشان می‌دهد:

جدول ۱- چارچوب‌های بین‌المللی در زمینه جابه‌جایی‌های اقلیمی

| سال  | چارچوب قانونی                                                                | چرا این چارچوب به مهاجرت و اقلیم مرتبط است؟                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                      |
|------|------------------------------------------------------------------------------|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| ۲۰۱۰ | کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد در مورد تغییر اقلیم - چارچوب سازگاری کانکون | این چارچوب این مساله را که مهاجرت و جابه‌جایی بخشی از سازگاری با تغییر اقلیم است و همکاری فنی بین دولت‌ها را می‌طلبد، به رسمیت می‌شناسد. این امر مسئولیت مهمی را بر عهده کشورهای متأثر از تغییر اقلیم می‌گذارد تا اقدامات پیشگیرانه‌ای را برای رسیدگی به جریان‌های مهاجرت اقلیمی انجام دهند. با این حال، بسیاری به اجرای سیاست‌هایی که مهاجرت را به عنوان یک اقدام سازگاری با اقلیم در اولویت قرار می‌دهند، تمایلی نداشته‌اند، زیرا آنها در نهایت مهاجرت را شکست تلاش‌های مقاوم سازی می‌دانند و معتقدند که جابه‌جایی مردم به دور از خانه‌هایشان اقدام نهایی است. |
| ۲۰۱۵ | چارچوب سندای برای کاهش خطر بلایا                                             | چارچوب سندای با تمرکز بر جابه‌جایی ناشی از بلایا، «هدف‌ها و اولویت‌هایی را جهت اقدام برای پیشگیری و کاهش خطرات بلایا، از جمله از طریق حکمرانی، سرمایه‌گذاری در کاهش بلایا برای تاب‌آوری و آمادگی در برابر بلایا، بازیابی، توانبخشی و بازسازی» ترسیم می‌کند.                                                                                                                                                                                                                                                                                                      |
| ۲۰۱۵ | اهداف توسعه پایدار                                                           | اهداف توسعه پایدار مجموعه‌ای مشترک از ۱۷ هدف جهانی را ارائه می‌دهد که باید تا سال ۲۰۳۰ محقق شوند. بسیاری از این اهداف مربوط به مسائل مربوط به تغییر اقلیم و مهاجرت هستند، به ویژه هدف ۱۰ در مورد کاهش نابرابری‌ها، هدف ۱۱ در مورد شهرها و جوامع پایدار، و هدف ۱۳ در مورد اقدام اقلیمی.                                                                                                                                                                                                                                                                           |
| ۲۰۱۵ | معاهده پاریس                                                                 | توافقنامه پاریس در طول بیست و یکمین کنفرانس احزاب در پاریس (کوپ ۲۱)، تشکیل یک گروه ویژه برای جابه‌جایی را برای ایجاد رویکردهای یکپارچه و با هدف جلوگیری، به حداقل رساندن و رسیدگی به جابه‌جایی‌های مرتبط با اثرات نامطلوب تغییر اقلیم اجباری کرد. از زمان مذاکرات کوپ ۱۴ در سال ۲۰۰۸، سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان بین‌المللی مهاجرت از به رسمیت شناختن ابعاد مهاجرت و جابه‌جایی در بحث‌های سیاستی در مورد تغییر اقلیم دفاع کرده‌اند.                                                                                                                      |
| ۲۰۱۶ | کارگروه جابه‌جایی کنوانسیون چارچوب                                           | این کارگروه موظف است به جابه‌جایی‌های مرتبط با تغییر اقلیم از طریق حمایت از تلاش‌ها، از جمله مالی، فناوری و ظرفیت سازی احزاب و سایر بازیگران، از جمله جوامع و بازیگران محلی، رسیدگی کند.                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                         |

<sup>5</sup> Nexus dynamics

<sup>5</sup> Non-refoulement

|      |                                                                                                                                  |                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                          |
|------|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
|      | سازمان ملل درباره تغییر اقلیم <sup>۵۹</sup>                                                                                      | جلوگیری، به حداقل رساندن و رسیدگی به جابه‌جایی‌های مرتبط با اثرات نامطلوب تغییر اقلیم در همه سطوح از جمله سطوح اجتماعی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی صورت می‌گیرد.                                                                                                                                                                                                                         |
| ۲۰۱۶ | کارگروه کنوانسیون چارچوب سازمان ملل درباره تغییر اقلیم در مورد مکانیسم بین‌المللی جابه‌جایی ورشو برای زیان و خسارت <sup>۶۰</sup> | این کارگروه طیفی از ذینفعان را جمع‌آوری می‌کند تا توصیه‌هایی را به دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی در مورد راه‌های جلوگیری، به حداقل رساندن و رسیدگی به جابه‌جایی‌های ناشی از تغییر اقلیم ارائه دهد. کشورهایی که بیشترین سهم را در بحران‌های اقلیمی داشته‌اند، بایستی مسئولیت آن را پذیرفته و به افرادی که از اثرات اقلیمی رنج می‌برند، غرامت پرداخت کنند.                                  |
| ۲۰۱۶ | پیمان جهانی پناهندگان                                                                                                            | این پیمان، تعهدات خاصی را برای رسیدگی به محرک‌های جابه‌جایی محیط‌زیستی و توسعه سیاست‌هایی با هدف تضمین حفاظت بیشتر از افرادی که تحت تأثیر این حرکات قرار گرفته‌اند، ارائه می‌کند.                                                                                                                                                                                                        |
| ۲۰۱۸ | پیمان جهانی برای مهاجرت ایمن، منظم و قانونی                                                                                      | نیاز به تقویت، تجزیه و تحلیل همه‌جانبه و به اشتراک‌گذاری اطلاعات برای تصویرسازی بهتر، درک، پیش‌بینی و رسیدگی به مهاجرت، مانند مواردی که ممکن است ناشی از مخاطرات طبیعی ناگهانی و تدریجی و اثرات نامطلوب تغییر اقلیم باشد.                                                                                                                                                                |
| ۲۰۱۸ | قطعنامه پارلمان اروپا در مورد زنان، برابری جنسیتی و عدالت اقلیمی                                                                 | این قطعنامه به صراحت به مهاجرت‌های اقلیمی اشاره می‌کند و درخواست می‌کند که این موضوع در دستور کار بین‌المللی قرار گیرد و کشورها همکاری‌های بین‌المللی را برای اطمینان از تاب‌آوری جمعی در برابر اقلیم تقویت کنند. این قطعنامه همچنین خواستار ایجاد گروهی از کارشناسان برای بررسی این موضوع در سطح بین‌المللی است.                                                                        |
| ۲۰۱۹ | قطعنامه ۲۳۰۷ در مورد وضعیت قانونی پناهندگان اقلیمی                                                                               | این قطعنامه نتیجه یک مجمع پارلمانی است که قطعنامه‌ها و توصیه‌های قبلی را یادآور می‌شود که بر اساس آن مهاجرت و جابه‌جایی ناشی از محیط‌زیست به عنوان چالش قرن ۲۱ مطرح است. بر این اساس، مجمع تشخیص می‌دهد که فقدان یک تعریف الزام‌آور قانونی از "پناهندگان اقلیمی"، امکان توسعه سیاست‌های خاص برای محافظت از افرادی را که در نتیجه تغییر اقلیم مجبور به جابه‌جایی هستند، را یادآور می‌شود. |

(کلمنت و همکاران، ۲۰۲۱)

به طور کلی، به اعتقاد مایر (۲۰۱۱)، بررسی چارچوب‌های قانونی نشان می‌دهد که اگرچه استدلال‌های خوبی برای «ملاحظات» حقوقی بین‌المللی برای مهاجرت‌های ناشی از تغییر اقلیم وجود دارد، با این حال، در سطح جهانی، هیچ رژیم حقوقی بین‌المللی خاصی در مورد مهاجران اقلیمی اعمال نمی‌شود. به طور خاص، قانون تغییر اقلیم بر کاهش و سازگاری با تغییرات اقلیمی تمرکز دارد، اما وضعیتی را برای افرادی که نمی‌توانند در کشور خود با پیامدهای ناشی از تغییر اقلیم سازگار شوند و مجبور به جابه‌جایی به مناطق دیگر هستند، به رسمیت نمی‌شناسد. این در حالی است امواج روزافزون «مهاجران اقلیمی» نمی‌توانند از هیچ حمایت

<sup>5</sup> UNFCCC Task Force on Displacement

<sup>6</sup> UNFCCC Task Force on Displacement Warsaw International Mechanism for Loss and Damage

<sup>6</sup> Clement

مناسبی تحت قوانین بین المللی امروز بهره‌مند شوند، زیرا آنها شرایط قانونی را برای یافتن حمایت به عنوان «پناهنده» ندارند (مایر، ۲۰۱۱). طبق کنوانسیون پناهندگان «پناهنده» فردی است که به دلیل «ترس موجه از آزار و اذیت به دلایل نژادی، مذهبی، ملیت، عضویت در یک گروه اجتماعی خاص یا سیاسی نمی‌تواند یا نمی‌خواهد به کشور مبدا خود بازگردد». بنابراین، اولین مانع برای جای‌گذاری مفهوم مهاجرت‌های اقلیمی در چارچوب قوانین بین المللی پناهندگان، توصیف «تغییر اقلیم» به عنوان آزار و اذیت است. بالا آمدن سطح آب دریاها، شوری، و طوفان‌ها، زلزله‌ها و سیل‌های مکرر ممکن است خسارت بار باشند، اما «آزار و شکنجه» محسوب نمی‌شوند. بنابراین، عوامل تغییر اقلیم که باعث حرکت در سراسر مرزهای بین‌المللی می‌شوند، به خودی خود دلیلی برای اعطای وضعیت پناهندگی برای این دسته از افراد نیستند. بنابراین، قانون بین‌المللی پناهندگان به دلیل تبعیت دقیق از تعریف سنتی پناهنده، ذاتاً از شکاف قانونی در رابطه با حمایت از مهاجران اقلیمی رنج می‌برد (سید هاسن، ۲۰۲۲). به طور کلی، آسیب‌پذیری مهاجران اقلیمی مغایر با مفهوم بشردوستانه حقوق بشر است و بر خلاف اصل مسئولیت مشترک اما متمایز در قبال تغییر اقلیمی است. از این رو، یک چارچوب حقوقی بین‌المللی در مورد مهاجرت‌های ناشی از تغییر اقلیم بایستی ایجاد شود تا از افراد و جوامع آسیب‌دیده محافظت شود، و بودجه بین‌المللی و تصمیم‌گیری محلی تطبیق داده شود. بنابراین، تا زمانی که قربانیان تغییرات اقلیمی از مرزهای بین‌المللی عبور نکنند، نمی‌توانند از حمایت‌های بشردوستانه بین‌المللی استفاده کنند و در این صورت تنها از حمایت‌های جابجایی داخلی بهره‌مند می‌شوند (مایر، ۲۰۱۱).

## ۲.۳. موضوع تغییر اقلیم در اسناد فرادستی کشور

ایران جزو کشورهایی است که تحت تأثیر پیامدهای نامطلوب تغییر اقلیم قرار گرفته است (رادمنش و همکاران، ۲۰۲۲). در نتیجه پیامدهای ناشی از تغییر اقلیم، بسیاری از مزارع و باغ‌ها، سیستم‌های تالاب یا دیم در معرض خطر سیل، یخبندان، فرسایش خاک، لغزش، فرونشست زمین، تنش شدید آب و کمبود منابع آبی قرار دارند. در حالی که مدیریت نادرست منابع طبیعی همچون منابع آبی در کشور، عوارض جانبی این مخاطرات را تشدید کرده است. تغییر اقلیم در کشور اثرات جانبی منفی گسترده‌ای بر الگوهای اقتصادی-اجتماعی داشته است. به طوری‌که در طی سالیان گذشته در کشور شاهد مهاجرت‌های روستایی-شهری بوده‌ایم و اکنون نیز موج دوم مهاجرت یعنی مهاجرت شهر به شهر در حال وقوع است. پیش‌بینی می‌شود، الگوی بعدی این جابه‌جایی‌ها، مهاجرت‌های فرامرزی باشد. اگرچه در مورد وزن تغییر اقلیم بر مهاجرت تردیدهایی وجود دارد، اما بر اساس سناریوهای تغییر اقلیم تا سال ۲۰۵۰، با افزایش درجه حرارت هوا و کاهش بارندگی‌ها، مناطق وسیعی از کشور دچار خشکسالی و کاهش منابع آبی خواهد شد. وقوع چنین شواهدی، به طور قطع بر الگوهای جابه‌جایی در کشور و فراتر از مرزهای آن تأثیر خواهد گذاشت. اگرچه در قوانین و اسناد بالادستی کشور به طور مستقیم به موضوع مهاجرت‌های اقلیمی و محیط‌زیستی اشاره

6 Seid 2  
6 Internal displacement 3  
6 Radmanesh 4

نشده است، اما موضوع محیط‌زیست و تغییر اقلیم در برخی اسناد کشور مورد اشاره قرار گرفته است که در ادامه به آنها اشاره شده است:

#### • آیین‌نامه اجرایی کنوانسیون تغییر اقلیم و پروتکل کیوتو

این آیین‌نامه در سال ۱۳۸۷ به پیشنهاد وزارت امور خارجه و به استناد اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به تصویب رسید. بر اساس بند ۳ ماده ۸، دستگاه‌های اجرایی آسیب‌پذیر از موضوع تغییر تغییر اقلیم مکلفند پس از یک سال از ابلاغ این آیین‌نامه، علاوه بر بررسی و شناسایی آسیب‌های ناشی از تغییر اقلیم بر فعالیت‌های خود و ارائه گزارش آن به کارگروه ملی، اقدامات مربوطه را در جهت کاهش آثار سوء تغییر اقلیم و سازگاری انجام دهند (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۸).

#### • سند چشم‌انداز ۱۴۰۴

سند چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران به عنوان معتبرترین سندی است که تاکنون در راستای شناسایی و معرفی چالش‌های جدیدی که کشور در تفکر نوین جامعه جهانی با آنها روبروست به تصویب رسیده است (عطافر و همکاران، ۱۳۸۸). در این سند، ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی، اهمیت محیط‌زیست در قالب عبارت "بهره‌مندی از محیط‌زیست مطلوب" برای جامعه ایرانی درج شده است:

«برخوردار از سلامت، رفاه، امنیت غذایی، تأمین اجتماعی، فرصت‌های برابر، توزیع مناسب درآمد، نهاد مستحکم خانواده به دور از فقر، فساد، تبعیض و بهره‌مند از محیط‌زیست مطلوب» (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۲).

این چشم‌انداز منطبق با اصل پنجاهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است:

«در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط‌زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌گردد. از این رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط‌زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است» (شورای نگهبان، اصل ۵۰).

#### • سیاست‌های کلی محیط‌زیست

با توجه به اهمیت موضوع محیط‌زیست و تغییر اقلیم در کشور، مقام معظم رهبری در اجرای بند یک اصل ۱۱۰ قانون اساسی، در سال ۱۳۹۴ سیاست‌های کلی محیط‌زیست کشور را ابلاغ کردند. در بند ۷ سیاست‌های کلی محیط‌زیست که پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام تعیین شده، به «مدیریت تغییرات اقلیم و مقابله با تهدیدات محیط‌زیستی نظیر بیابان‌زایی، گرد و غبار به‌ویژه ریزگردها، خشکسالی و عوامل سرایت‌دهنده میکروبی و رادیواکتیو و توسعه آینده‌نگری و شناخت پدیده‌های نوظهور محیط‌زیستی و مدیریت آن» اشاره شده است.

## • برنامه ششم توسعه کشور

لایحه برنامه ششم توسعه مشتمل بر ۳۵ ماده در راستای تحقق اهداف سند چشم انداز بیست ساله و اجرای سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه و اقتصاد مقاومتی، برای سال‌های ۱۳۹۵-۱۳۹۹، در مرداد ماه ۱۳۹۵ تقدیم مجلس شورای اسلامی شد. ماده ۱۱ و ۱۳ این برنامه در راستای حفاظت از محیط‌زیست و مقابله با بحران کم‌آبی تدوین شده است که در ادامه بدان پرداخته می‌شود:

ماده ۱۱- به منظور تحقق اهداف مندرج در اصل پنجاهم (۵۰) قانون اساسی مبنی بر جلوگیری از تخریب و آلودگی محیط‌زیست و بهره‌مندی از محیط‌زیست مطلوب مندرج در سند چشم انداز و اجرای سیاست‌های کلی ابلاغی محیط‌زیست، تمامی دستگاه‌های اجرایی و بخش‌های خصوصی و تعاونی نهادهای عمومی غیردولتی برای طرح‌های عمده، مکلف هستند نسبت به ارزیابی راهبردی محیط‌زیست و ارزیابی اثرات محیط‌زیستی سیاست‌ها، برنامه‌ها و طرح‌های خود بر اساس شاخص‌ها، ضوابط و معیارهای پایداری محیط‌زیست به اجرا درآورند.

ماده ۱۳- انجام اقدامات به منظور مقابله با بحران کم‌آبی و رهاسازی حقابه‌های محیط‌زیستی برای پایداری سرزمین و تولید پایدار در بخش کشاورزی، تعادل بخشی به سفره‌های زیرزمینی و همچنین کاهش مصرف سالانه آب به میزان ۱۱ میلیارد متر مکعب تا پایان برنامه.

## • برنامه راهبرد ملی مقابله با تغییر اقلیم

برنامه راهبرد ملی مقابله با تغییر اقلیم در ایران، شامل بخش‌های مختلف است که در ۱۳۹۵ تهیه، نهایی و مقرر شده و قرار شد طی سال‌های ۱۳۹۶-۱۴۰۰ به اجرا درآید. در این برنامه، موضوعات مهمی از قبیل امنیت غذایی، بهره‌وری آب، کشاورزی، منابع طبیعی، محیط‌زیست، سلامت و سایر بخش‌ها مورد توجه قرار گرفته است. همچنین بر تهدیدهای ناشی از افزایش دما بر منابع آب و جنگل‌ها، تأکید شده است. بر اساس گزارش‌های سازمان هواشناسی میزان گازهای گلخانه‌ای، در دهه گذشته، ۳ درصد افزایش داشته است، متوسط دما نیز از سال ۱۱۲۸ (۱۷۵۰ میلادی) ۱/۸ درجه سلسیوس افزایش یافته، که از متوسط جهانی (۱/۱ درجه سلسیوس) بیشتر است. دولت، در این گزارش، متعهد شده است تا سال ۱۴۰۸ (۲۰۳۰ میلادی) و در صورت عادی بودن شرایط، میزان انتشار گازهای گلخانه‌ای را تا ۴ درصد کاهش دهد. همچنین در صورتی که کمک‌ها و منابع مالی کافی در اختیار داشته باشد، علاوه بر آن، به میزان ۸ درصد نسبت به کاهش گازهای گلخانه‌ای اقدام کند. به بیان دیگر، در شرایط مطلوب مالی، در مجموع نسبت به کاهش ۱۲ درصد از گازهای گلخانه‌ای اقدام خواهد کرد. ایجاد زیرساخت‌های لازم به منظور اجرای تعهدات کنوانسیون تغییر اقلیم، پروتکل کیوتو و توافقنامه پاریس و مصوبات آتی آن و همچنین اجرای تعهدات کاهش انتشار و ایجاد زیرساخت‌های پایش و گزارش‌دهی تحت اهداف مورد نظر مشارکت ملی از جمله اهدافی است که در برنامه راهبرد ملی تغییر اقلیم دنبال می‌شود.

## • سند ملی آمایش سرزمین

شورای عالی آمایش سرزمین در جلسه مورخ ۱۳۹۹/۱۲/۱۱ سند ملی آمایش سرزمین در افق ۱۴۲۴ مشتمل بر ۱۶ ماده را تصویب نمود. با نگاهی بر اهداف این سند می‌توان دریافت که موضوع حفاظت و احیای منابع طبیعی و محیط‌زیستی برای دستیابی به توسعه پایدار و همچنین ایجاد تاب‌آوری و سازگاری با تغییرات اقلیمی از اهداف اصلی تدوین سند ملی آمایش سرزمین می‌باشد. اگرچه در این سند به طور مستقیم به موضوع مهاجرت‌های اقلیمی یا محیط‌زیستی اشاره‌ای نشده است اما برخی از راهبردهای ارائه شده در آن به سازگاری با تغییر اقلیم و محیط‌زیستی برای مقابله با مهاجرت و خالی از سکنه شدن مناطق روستایی اشاره کرده است. مهم‌ترین راهبردها و سیاست‌های طرح ملی آمایش سرزمین در ارتباط با جمعیت، مهاجرت و محیط‌زیست عبارتند از:

- تحول کشاورزی، اصلاح ساختار و نظام بهره‌برداری و استقرار کشاورزی هوشمند و پایدار با حصول اطمینان از امنیت غذایی، آب و محیط زیست
- سازگاری توسعه با محیط زیست و منابع طبیعی
- حفظ و جذب جمعیت در روستاها با تأکید بر ارتقاء پویایی و ماهیت تولید محور بودن روستاها
- افزایش جمعیت و توسعه فعالیت در مناطق مستعد کم‌تراکم به ویژه مناطق مرزی، جزایر راهبردی و سواحل جنوبی (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۹۹).

## ۴. بحث و نتیجه‌گیری

در توافقی‌نامه‌های بین‌المللی، موضوع تغییر اقلیم، مهاجرت و جابه‌جایی ناشی از اقلیم مدت‌هاست که به رسمیت شناخته نشده است. این امر با وجود درک گسترده‌ای است که تغییر اقلیم پیامدهایی برای مهاجرت و جابه‌جایی دارد و اینکه تغییرات در الگوهای مهاجرت به دلیل تغییر اقلیم بر توانایی کشورها برای دستیابی به اهداف اقلیمی و جوامع برای سازگاری تأثیر می‌گذارد. در مقایسه با مطالعات صورت گرفته در این زمینه توسط محققان مختلف در داخل و خارج از کشور، این مطالعه نه تنها بر بررسی چارچوب‌های بین‌المللی تمرکز دارد، بلکه به طور خاص اسناد فرادستی داخلی را نیز تحلیل کرده و به کمبود توجه به مسئله مهاجرت‌های اقلیمی در سیاست‌های ملی اشاره کرده است. در حالی که بیشتر تحقیقات داخلی صرفاً به جنبه‌های بین‌المللی پرداخته‌اند، این پژوهش یک تحلیل تطبیقی انجام داده است که هم کاستی‌های حقوق بین‌الملل و هم خلأهای قانونی در سطح ملی را بررسی می‌کند. به طور کلی، این مطالعه، نتایج تحقیقات پیشین را تأیید می‌کند، اما یک لایه تحلیلی جدید در مورد وضعیت حقوقی داخلی اضافه می‌کند. همچنین، بر ابهام در سیاست‌های بین‌المللی و فقدان اقدامات مشخص در سطح ملی تأکید کرده است. این موضوع می‌تواند به عنوان یک گام مهم در پیشنهاد راهکارهای قانونی برای حمایت از مهاجران اقلیمی در کشور مورد استفاده قرار گیرد.

از نظر تئوری، همه مهاجران اقلیمی بر اساس قوانین بین‌المللی حقوق بشر دارای حقوق هستند. با این حال، برخلاف پناهندگان، مکانیسم‌های نهادی برای اطمینان از وجود چنین حقوقی در عمل برای مهاجران اقلیمی وجود ندارد. هیچ سازمان بین‌المللی

مسئولیت رسمی برای حمایت از افرادی که دارای حقی مبتنی بر حقوق بشر هستند، برای عدم بازگرداندن آنها به کشور در صورت خارج شدن از تعریف پناهندگی، ندارد. بنابراین، قوانین بین‌المللی حقوق بشر بسیار مبهم است و فضای زیادی را برای «تفسیر» کشورها برای ارائه حفاظت سریع و کارآمد از مهاجران اقلیمی باقی می‌گذارد.

در این راستا، در گام نخست، درک و شناخت بهتر پیوندهای بین تغییر اقلیم و جابه‌جایی و مهاجرت می‌تواند چارچوب‌های سیاستی را برای رسیدگی به محرک‌های زیربنایی تقویت کرده و به مناطق مبدا و مقصد مهاجران برای آماده‌سازی کمک کند. ملاحظه مهم در این خصوص، افزایش همکاری و گفت‌وگو در سطح کشورها برای آغاز و پیشبرد بحث‌های حساس سیاسی در مورد مهاجران اقلیمی بین‌المللی است که از مرزها عبور می‌کنند. همچنین باید در مورد چگونگی ایفای نقش بازیگران غیردولتی - از جمله سازمان‌های بین‌المللی، جامعه مدنی، بخش خصوصی، سازمان‌های غیردولتی و جوامع مهاجر- در ایجاد چارچوب حکمرانی مهاجرت‌های اقلیمی، تأمل کرد. در این زمینه، هم پیمان جهانی در مورد مهاجرت و هم اقداماتی که در مذاکرات اقلیمی انجام شده است، فرصت مهمی را برای دولت‌ها برای تبادل داده‌ها، دانش موجود و راه‌حل‌های احتمالی پیش رو ارائه می‌دهد. این امر به ویژه در شرایطی اهمیت دارد که منافع و دیدگاه دولت‌ها در مورد مهاجرت می‌تواند بسیار متفاوت باشد. این فضا برای ایجاد این تبادلات نه تنها در سطح جهان، بلکه از طریق مشورت‌ها و همکاری در سطح منطقه‌ای، ملی و منطقه‌ای نیز وجود دارد. در این راستا، گردهم‌آوردن کشورها و سایر ذینفعان برای بررسی، درک، مقایسه، تجزیه و تحلیل شیوه‌های موجود که مربوط به محیط زیست، تغییر اقلیم و مهاجرت است، یک فرصت کلیدی برای اطلاع‌رسانی فرایندهای مذاکره رسمی فراهم می‌آورد. علاوه بر این، این فرصت مناسبی را برای اجرای شیوه‌های خوب سیاست‌های مهاجرتی، سیاست‌های اقلیمی و قوانین - که شامل نگرانی‌های مربوط به تغییر اقلیم و محیط زیست است - ارائه می‌دهد تا با توجه به مقیاس‌بندی و اجرا، شناسایی شوند. پیشرفت در مذاکرات در مورد سیاست‌های اقلیمی و مهاجرت به کشورها این فرصت را می‌دهد که تعهدات عملی، ابزارهای قابل اجرا و چارچوب‌های پیگیری را پیشنهاد دهند. این امر به نوبه خود یک حرکت قدرتمند برای پیشبرد اقدامات در سطح ملی، به ویژه از طریق مشروعیت بخشیدن به دسترسی به منابع تأمین مالی در خصوص تغییر اقلیم و مهاجرت به منظور توسعه اقدامات برنامه‌ای در مقیاس بزرگ و در بازه زمانی بلند مدت برای پاسخگویی به چالش‌های مهاجرت اقلیمی محسوب می‌گردد.

با نگاهی به آینده، اقدامات انجام شده تحت فرآیند کنوانسیون مذاکرات تغییر اقلیم سازمان ملل و کوپ سالانه و همچنین اجرای برنامه کاری جدید کارگروه کنوانسیون مذاکرات تغییر اقلیم سازمان ملل در مورد جابه‌جایی، برای چارچوب‌بندی و تشویق توسعه راه‌حل‌های بین بخشی در همه سطوح حیاتی خواهد بود. با این حال، پیوند اقلیم و مهاجرت به همان اندازه که مربوط به اقدامات اقلیمی است، مربوط به حکمرانی مهاجرت است. مهاجرت به خوبی مدیریت شده باید به عنوان یکی از راه‌های سازگاری با شرایط اقلیمی در حال تغییر شناخته و ترویج شود. در این راستا جامعه بین‌المللی باید تلاش کند تا پیوند مهاجرت و اقلیم را در راس برنامه سیاست جهانی قرار دهد.

بررسی اسناد فرادستی و برنامه‌های توسعه در کشور ایران نیز حکایت از عدم توجه به این موضوع بنیادین دارد. طبعاً انتظار می‌رود طی سالیان آینده نیز تغییر اقلیمی آثار جدی بر بخش‌های مختلف کشور نظیر انرژی، امنیت غذایی، سلامت و مهاجرت

کشور داشته باشد. با وجود این، بررسی محتوای اسناد فرادستی از جمله سند ملی آمایش سرزمین و متن لایحه برنامه هفتم توسعه نشان از عدم توجه به کلان روند تغییر اقلیم و پیامدهای ناشی از آن همچون مهاجرت دارد. این درحالی است که در بند "۷" سیاست‌های کلی محیط زیست ابلاغی مقام معظم رهبری به اهمیت موضوع تغییر اقلیم و ضرورت مدیریت و آینده‌نگری در این حوزه تاکید ویژه‌ای شده است. همچنین در هیچ یک از اسناد فرادستی به طور مستقیم به موضوع حمایت از مهاجرت‌های ناشی از تغییر اقلیم اشاره‌ای نگردیده و برای آن سازوکاری مشخص و قانونی تعیین نشده است. درحالی که ضروری است بخش‌های مختلف کشور راهکارهای خود را برای حل این چالش در حوزه خود تدوین کنند. اگرچه در زمینه مقابله و یا سازگاری با تغییر اقلیم، طی سالیان اخیر برخی وزارتخانه‌ها اقداماتی را انجام داده‌اند، اما مقایسه اقدامات انجام‌شده با مفاد بند "۳" ماده (۸) آیین‌نامه اجرایی کنوانسیون تغییر اقلیم و پروتکل کیوتو و همچنین برنامه راهبرد ملی تغییر اقلیم کشور بیانگر فاصله معنادار اقدامات صورت گرفته و وظایف تعیین شده برای دستگاه‌های مختلف است. در این راستا در سطوح ملی و محلی، تقویت هنجارها و ابزارهای حفاظتی و حمایتی، پایه اساسی برای حمایت از افراد آسیب پذیر در برابر مخاطرات محیطی خواهد بود. در این راستا توجه به نکات زیر برای برنامه‌ریزان و سیاستگذاران در این زمینه راهگشا خواهد بود:

#### ۱- قانونی سازی و به رسمیت شناختن حقوق مهاجران اقلیمی

افرادی که در نتیجه تغییر اقلیمی در حال حرکت هستند، دقیقاً در هیچ یک از دسته‌بندی‌های ارائه شده توسط چارچوب‌های حقوقی بین‌المللی موجود قرار نمی‌گیرند. در این راستا بایستی اقدامات زیر انجام گیرد:

- متعارف نمودن مهاجرانی که در اثر مخاطرات طبیعی در وضعیت نامتعارف قرار دارند، مطابق با قوانین ملی
- ادغام تحرک انسانی در سیاست‌ها و طرح‌های ملی در زمینه تغییر اقلیم (طرح‌های سازگاری ملی، مشارکت‌های تعیین‌شده ملی، طرح‌های رفاه اقلیمی و غیره)، کاهش خطر بلایا و توسعه (چارچوب‌های همکاری توسعه پایدار سازمان ملل، ارزیابی‌های مشترک کشور).

#### ۲- ترویج استراتژی‌های سازگاری با تغییر اقلیم

مهاجرت‌های اقلیمی خود فرصت‌های متعددی را برای ارتقاء توسعه فراهم می‌کند. در این راستا اقدامات زیر منجر به ترویج سازگاری با تغییر اقلیم می‌گردد:

- بحث و گفتگوی سازمان‌یافته در مورد مهاجرت‌های اقلیمی و راهکارهای سازگاری با آن و به روز کردن برنامه‌های ملی سازگاری.
- انجام ارزیابی‌های ملی از ریسک مخاطرات طبیعی و برآورد خسارات ناشی از وقوع بلایا به منظور درک نیازهای سرمایه‌گذاری در زمینه مدیریت ریسک آن.

- فراهم نمودن بسترهای حفاظت اجتماعی و فرصت‌های درآمدزایی برای افرادی که در مناطق آسیب‌پذیر زندگی می‌کنند (به عنوان مثال آموزش مهارت‌های لازم و برنامه‌های جایگزین معیشتی).
- سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های پایدار، مشخص نمودن مناطق آسیب‌پذیر در برابر بلایا برای برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های آتی و مشارکت جوامع محلی در ساخت خانه‌های مقاوم.

### ۳- افزایش دانش و آگاهی در خصوص مهاجرت‌های اقلیمی

- مهم‌ترین مانع برای توسعه سیاست‌های مؤثر در خصوص مهاجرت‌های اقلیمی، عدم وجود اطلاعات به روز در مورد الگوها و روندهای مهاجرتی است. اقدامات زیر دانش و آگاهی افراد را در زمینه مهاجرت‌های اقلیمی افزایش می‌دهد:
- جمع‌آوری سازمان‌یافته داده‌های تفکیک شده در مورد جریان مهاجرت‌های داخلی و برون مرزی.
  - حمایت از تحقیقات مرتبط با سیاست‌های مهاجرت‌های اقلیمی و تعامل بین محققان و سیاست‌گذاران.
  - انجام مطالعات در خصوص الگوهای مهاجرت‌های طولانی مدت در کشور.

### ۴- تقویت همکاری‌های بین‌المللی

- بسیاری از مشکلات مرتبط با مهاجرت‌های اقلیمی با همکاری بین دولت‌های حاکم رفع می‌گردند. موافقت‌نامه‌های دو جانبه و چند جانبه می‌توانند به ایجاد شبکه منطقه‌ای از قوانین و معیارها برای مدیریت و تسهیل مهاجرت‌های مرزی در کشور کمک کنند.
- ایجاد توافق‌نامه‌های دو جانبه و زیر منطقه‌ای برای تقویت آزادی در جابه‌جایی‌های بین مناطق.
- گسترش مهاجرت‌های کاری فصلی، کوتاه مدت یا دائمی در راستای تامین منافع کشورهای مبدا و مقصد همچنین کارگران مهاجر.

### ۵- حمایت مالی از مهاجران متاثر از مخاطرات طبیعی

- مقابله با چالش‌های مهاجرت‌های اقلیمی به تلاش و پشتیبانی بخش‌های دولتی، خصوصی و غیرانتفاعی نیاز دارد. در این راستا به خصوص دولت‌ها بایستی پیشگام باشند.
- تشویق بخش خصوصی برای فراهم نمودن ابزارهای مدیریت مخاطرات، بیمه و ایجاد انگیزه برای مردمی که در مناطقی که بیشتر در معرض مخاطرات طبیعی قرار دارند.

### تشکر و قدردانی

این مقاله برگرفته از طرح پسادکتری شماره ۴۰۳۲۹۴۵ با عنوان «تغییر اقلیم، امنیت غذایی و مهاجرت؛ تبیین سناریوهای سازگاری با پیامدهای ناشی از خشکسالی در دریاچه ارومیه» است که با حمایت مالی بنیاد ملی علم ایران (INSF) در پژوهشگاه هوشناسی و علوم جو در حال اجرا می‌باشد. نویسندگان بر خود فرض می‌دارند تا در این راستا مراتب تقدیر و تشکر را اعلام دارند.

## منابع

۱. رنجبریان، امیرحسین و ارغنده پور، نفیسه (۱۳۹۹)، مهاجرت‌های اقلیمی در حقوق بین‌الملل: راه دشوار دولت‌های آسیب‌پذیر، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی دانشگاه تهران، دوره ۵۰، شماره ۳، صص ۸۵۹-۸۸۰.
۲. سازمان برنامه و بودجه کشور، دبیرخانه شورای عالی آمایش سرزمین (۱۳۹۹)، سند ملی آمایش سرزمین. قابل دسترس در: [http://khev.um.ac.ir/images/171/amayesh\\_sarzamin.pdf](http://khev.um.ac.ir/images/171/amayesh_sarzamin.pdf)
۳. صمدی، رقیه (۱۴۰۱)، دوراهی مهاجرت‌های اقلیمی؛ تحلیلی درباره رویکردهای سازگاری یا ناسازگاری در برابر آثار تغییرات اقلیمی، سیاست نامه علم و فناوری، دوره ۱۲، شماره ۴ (پیاپی ۴۱)، صص ۶۳-۷۹.
۴. عطاقر، علی؛ انصاری، محمد اسماعیل؛ طالبی، هوشنگ و نیلی پور طباطبایی، سید اکبر (۱۳۸۸)، سند چشم انداز ۱۴۰۴، قانون برنامه چهارم توسعه و تحولات بنیادی مورد نیاز دانشگاه‌ها (مطالعه موردی: دانشگاه صنعتی مالک اشتر)، فصلنامه انجمن آموزش عالی ایران، سال اول، شماره ۴، بهار ۱۳۸۸.
۵. مهدیزاده سولا، جواد (۱۴۰۳)، تأثیر تغییرات اقلیمی بر مهاجرت انسانی: بررسی روندها، چالش‌ها و راهکارها با رویکرد فرتاحلیل، فصلنامه جمعیت و پیشرفت، دوره ۲، شماره ۲ - شماره پیاپی ۴، تیر ۱۴۰۳، صفحه ۵۱-۵۷.
۶. موثقی، حسن (۱۳۹۶)، الزامات و پیش‌بینی‌های حقوق بین‌الملل برای استقرار مهاجران اقلیمی در مقصد، مجله مطالعات جامعه‌شناسی، سال ۱۰، شماره ۳۷، صص ۱۰۵-۱۲۲.
۷. مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۸۸)، آیین‌نامه اجرایی کنوانسیون تغییر آب و هوا و پروتکل کیوتو. قابل دسترس در: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/136323>
8. Ahsan, R., Kellett, J., & Karuppannan, S. (2014). Climate induced migration: Lessons from Bangladesh (Doctoral dissertation, Common Ground Publishing).
9. Bates, D. C. (2002). Environmental refugees? Classifying human migrations caused by environmental change. *Population and environment*, 23, 465-477.
10. Black, Richard. (2001). Environmental Refugees: Myth or Reality? *New Issues in Refugee Research—UNHCR Research Paper* (34).

11. Cattaneo, C., Beine, M., Fröhlich, C. J., Kniveton, D., Martinez-Zarzoso, I., Mastrorillo, M., ... & Schraven, B. (2019). Human migration in the era of climate change. *Review of Environmental Economics and Policy*.
12. Chazalnoel, M. T., and Ionesco, D. (2018). Advancing the global governance of climate migration through the United Nations Framework Convention on Climate Change and the Global Compact on Migration: perspectives from the International Organization for Migration. In: 'CLIMATE REFUGEES' Beyond the Legal Impasse? Edited by Simon Behrman and Avidan Kent. First published 2018 by Routledge.
13. Clement, V., Rigaud, K. K., de Sherbinin, A., Jones, B., Adamo, S., Schewe, J., ... & Shabahat, E. (2021). Groundswell. Acting on Internal Climate Migration. Part II. Washington, DC: The World Bank. Online: [https://doi.org/10, 1596, 36248](https://doi.org/10.1596/36248).
14. Council of Europe. (2015). Committee on Migration, Refugees and Displaced Persons report. Parliamentary assembly. Council of Europe.
15. Foresight, Migration and Global Environmental Change: Final Project Report (2011). The Government Office for Science.
16. Gemenne, F. (2011). How they became the human face of climate change. Research and policy interactions in the birth of the 'environmental migration' concept. In: Pigué AP, de Guchteneire P (eds) Migration and climate change. Cambridge University Press, Cambridge, pp 225–25.
17. Ghosh, R. C., & Orchiston, C. (2022). A systematic review of climate migration research: gaps in existing literature. *SN Social Sciences*, 2(5), 47.
18. International Organization for Migration (IOM). (2017). Migration in the 2030 Agenda. Published by International Organization for Migration.
19. International Organization for Migration (IOM). (2018). Mapping Human Mobility (Migration, Displacement and Planned Relocation) and Climate Change in International Processes, Policies and Legal Frameworks. Available at: <https://unfccc.int/sites/default/files/resource/WIM%20TFD%20II.2%20Output.pdf>
20. International Organization for Migration (IOM). (2024). Legal Aspects of Protecting Migrants' Rights in the Context of Disasters, Climate Change and Environmental Degradation, IOM, Geneva.
21. International Organization for Migration (IOM). (n.d). Human Mobility in The UNFCCC. Available at: <https://environmentalmigration.iom.int/human-mobility-unfccc>
22. Ionesco, D., (2015). COP21 Paris Agreement: A Stepping Stone for Climate Migrants. Available at: [COP21 Paris Agreement: A Stepping Stone for Climate Migrants | IOM Blog](#)
23. Kaczan, D. J., & Orgill-Meyer, J. (2020). The impact of climate change on migration: a synthesis of recent empirical insights. *Climatic Change*, 158(3), 281-300.
24. Kälén, W. (2010). Conceptualising climate-induced displacement. *Climate change and displacement: Multidisciplinary perspectives*, 81, 102.
25. Kälén, W. (2012). From the Nansen principles to the Nansen initiative. *Forced Migration Review*, (41).
26. Klepp, S. (2017). Climate change and migration. In *Oxford research encyclopedia of climate science*.
27. Lonergan, S. 1998. The role of environmental degradation in population displacement. *Environmental change security project report* (4): 5-15.

28. Manou, D., Baldwin, A., Cubie, D., Mihr, A., & Thorp, T. (Eds.). (2017). *Climate Change, Migration and Human Rights: Law and Policy Perspectives*. Taylor & Francis.
29. Marotzke, J., Semmann, D., & Milinski, M. (2020). The economic interaction between climate change mitigation, climate migration and poverty. *Nature Climate Change*, 10(6), 518-525.
30. Mayer, B. (2011). The international legal challenges of climate-induced migration: Proposal for an international legal framework. *Colo. J. Int'l Env'tl. L. & Pol'y*, 22, 357.
31. McAdam, J. (2012). *Climate Change, Forced Migration, and International Law*. Published in the United States by Oxford University Press Inc., New York.
32. McAdam, J. (2012). *Climate change, forced migration, and international law*. Oxford University Press.
33. McLeman, R., & Smit, B. (2006). Migration as an adaptation to climate change. *Climatic change*, 76(1), 31-53.
34. L Perch-Nielsen, S., B Bättig, M., & Imboden, D. (2008). Exploring the link between climate change and migration. *Climatic change*, 91, 375-393.
35. Radmanesh, F., Esmaeili-Gisavandani, H., & Lotfirad, M. (2022). Climate change impacts on the shrinkage of Lake Urmia. *Journal of Water and Climate Change*, 13(6), 2255-2277.
36. Seid Hussen, A. (2020). The Legal Status and Protection of 'Climate Migrants' under International Law. Available at SSRN 4214939.
37. Simonelli, A. C. (2016). Governing climate induced migration and displacement: IGO expansion and global policy implications. Springer.
38. UNEP. 2011. *Livelihood Security: Climate Change, Conflict and Migration in the Sahel*. Geneva: UNEP.
39. Unruh, J. D., Krol, M., & Kliot, N. (Eds.). (2005). *Environmental change and its implications for population migration* (Vol. 20). Springer Science & Business Media.
40. Warner, K. (2011). Climate change induced displacement: Adaptation policy in the context of the unfccc climate negotiations. UNHCR, Division of International Protection.
41. Weerasinghe, S. (2021). What we know about climate change and migration. *Institute for the Study of International Migration (ISIM)*, Georgetown University. Recuperado de: <https://cmsny.org/publications/climate-change-migrationsummary/>. En, 14.

# Climate Change and Migration: International and National Legal Frameworks and Rights of Climate Migrants

Roghayyeh Samadi, Postdoctoral Researcher, Research Institute of Meteorology and Atmospheric Science,  
email: samadi.ro@yahoo.com

Majid Habibi Nokhandan, Associate Professor, Research Institute of Meteorology and Atmospheric Science,  
email: habibi3558@gmail.com

## Abstract

Over the past decade, discussions about the relationship between the impact of climate change on migration and human displacement have gradually increased. This is particularly evident in global policy discourse, with a growing awareness of the need to develop legal frameworks and concrete solutions to support individuals who migrate due to climate conditions. Since climate-induced displacement has been addressed in various ways in international agreements, ambiguity in these frameworks sends confusing messages to governments attempting to implement them in line with their developmental goals. This study examines some international legal frameworks related to supporting migration caused by climate change. Additionally, certain high-level documents in this field at the national level have been reviewed. The findings indicate that, although some credible recommendations for managing climate-induced migration have emerged in recent years within international agreements, the overall international policy response has been insufficient. In particular, climate change law focuses on mitigation and adaptation to climate change but does not recognize a legal status for individuals who are unable to adapt to the consequences of climate change in their home countries and are forced to migrate. Moreover, an analysis of high-level national documents reveals a lack of attention to the overarching trends of climate change and its consequences, such as migration. None of these documents explicitly address the issue of supporting migration caused by climate change, nor do they establish a specific legal mechanism for it. In this regard, planners and policymakers must pay greater attention to integrating human mobility resulting from climate change into national laws, policies, and plans.

**Keywords:** Climate change, migration, displacement, climate-induced migration, legal frameworks.